

راهنمای برنامه درسی آموزش علوم اجتماعی دوره متوسطه

غیرقابل استناد

فصل اول: کلیات
(۱-۶)

فصل دوم: عناصر و مؤلفه های برنامه
(۷-۵۰)

فصل سوم: توصیه های اجرایی
(۵۱-۵۶)

۱-۱- ضرورت و دلایل تغییر برنامه درسی

۱-۱-۱- دلایل عام

۱-۱-۱-۱- تجربه برنامه های قبلی:

تغییر یک برنامه درسی عمدتاً نتیجه بازخوردهای تجربه برنامه درسی قبلی است که در قالب ارزیابی ها، پیشنهادات و انتقادات دانش آموزان، خانواده ها، دبیران، صاحب نظران و منتقدان و کارشناسان شورای برنامه ریزی و تألیف هر گروه درسی نمودار می شود. آموزش علوم اجتماعی در نظام آموزشی کشور ما در دوره متوسطه تاریخچه ای دارد. دروس علوم اجتماعی قبل از انقلاب اسلامی در مجموعه دروس رشته های تحصیلی اقتصاد اجتماعی و فرهنگ و ادب در دوره آموزشی متوسطه ی عمومی ارائه می شد. بعد از انقلاب اسلامی در راستای تغییر اهداف و محتوای برنامه و کتاب های درسی علوم اجتماعی تلاش هایی به عمل آمد. با تلفیق دو رشته تحصیلی اقتصاد اجتماعی و فرهنگ و ادب و پیدایش رشته ادبیات و علوم انسانی در سال ۱۳۶۹ برنامه و محتوای دروس مورد بازبینی قرار گرفت. در سال ۱۳۷۱ با اجرای نظام جدید آموزش متوسطه در قالب نظام ترمی واحدی و تغییر جدول ساعات آموزشی برنامه جدیدی تولید و مطابق آن کتاب های جدید تألیف شد. در سال ۱۳۸۱ با تغییر مجدد جدول زمانبندی دروس و ضرورت توجه به استفاده از رویکردهای جدید یاددهی - یادگیری، نتایج نظر سنجی ها و نظر خواهی های انجام شده، شورای برنامه ریزی و تألیف علوم اجتماعی به طراحی و تدوین برنامه جدیدی مبادرت ورزید. اگرچه آموزش رسمی علوم اجتماعی سابقه چندان زیادی در مقایسه با سایر حوزه ها جافتاده تر علمی ندارد ولی همین میزان به ویژه دوره پس از انقلاب اسلامی عقبه نسبتاً قابل توجهی محسوب می شود که باید با باز کاوی و بازخوانی آن برای ارائه مطلوب این حوزه دانش کوشش نمود. اکنون نتایج واری ها، داوری ها و پیشنهادات حاصل از اجرای آخرین برنامه و پیدایش مسایل و نیازهای پیشین، روشی و اجتماعی جدید پیشاروی شورای تألیف و برنامه ریزی علوم اجتماعی، تغییر برنامه درسی این حوزه را ضروری می سازد.

۱-۱-۱-۲- رویکرد فرهنگی - تربیتی:

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با اتخاذ رویکرد فرهنگی - تربیتی بنا دارد در فرایند تعلیم و تربیت برای خود رسالتی ویژه تعریف نماید. رویکرد فرهنگی - تربیتی را نباید در عرض رویکردهای نظری و تخصصی قرار داد. بر اساس این رویکرد تحقق انسان و جامعه مطلوب متناسب با بنیان های فرهنگی جامعه اسلامی ایران، هدفی اساسی است که هویت همه عناصر و ارکان فرایند تعلیم و تربیت را تعریف و تعیین می کند یا به عبارتی دال برتر منظومه تعلیم و تربیت تلقی می شود. این رویکرد در تمام

برنامه های درسی نمودار خواهد شد. ضرورت برقراری ارتباط عمودی و افقی با سایر دروس و مقاطع تحصیلی متناسب با رویکرد فرهنگی - تربیتی سازمان، بازنگری برنامه درسی علوم اجتماعی را ضروری می نماید. اگر چه رویکرد فرهنگی - تربیتی به عنوان خط و مشی جدید سازمان پژوهش در اینجا به عنوان دلیل عام تغییر برنامه درسی معرفی شد باید تأکید نمود این رویکرد با آموزش دانش اجتماعی به دلیل تأثیر هویت ساز محتوای آن نسبت ویژه برقرار می کند.

۲-۱-۱- دلایل خاص:

۱-۱-۲-۱- تغییرات اجتماعی:

تغییر برنامه درسی علوم اجتماعی ناظر به تغییر موضوع این علوم است. پدیده های اجتماعی به عنوان موضوع علوم اجتماعی دچار تغییرات مداوم می شوند. نیازها و مسائل اجتماعی تازه و ضرورت توصیف و تبیین مناسب آن ها پدیدار می شوند. کتاب درسی باید ناظر به زیست جهان و محیط زندگی دانش آموزان باشد. به تبع تغییرات اجتماعی ناگزیر از بازاندیشی و بازنویسی است.

۲-۱-۲-۲- تغییر مستمر و مداوم مبانی نظری علوم اجتماعی:

بنیان های نظری علوم اجتماعی بنا به علل وجودی و شناختی به سرعت تغییر می یابند. تجربه نشان داده که نظریه های رایج و مقبول در حوزه علوم اجتماعی در دهه های مختلف تغییر کرده و شتاب تغییرات در دهه های اخیر نیز بیشتر شده است. بازخوانی و بازکاوی این تغییرات نظری برای جلوگیری از تأخیر و پس افتادگی نسبت به ادبیات نظری رایج از دلایل تغییر برنامه درسی علوم اجتماعی است. اهمیت این وجه با عنایت به این امر که ویژگی کتاب درسی رسوب و انجماد دانش است نمایان تر می شود. خودآگاهی نسبت به این مسأله و بازخوانی مکرر آن از رسوب قالب های ذهنی معین در اذهان مخاطبان برنامه درسی جلوگیری می کند و آن ها را برای مواجهه فعال با جهان امروز و دانش موجود مهیا می سازد.

۳-۱-۲-۱- فاصله زیاد میان وضعیت موجود و مطلوب علوم اجتماعی:

نظریه های علوم اجتماعی با حوزه فرهنگ عمومی و هویت جامعه رابطه دیالکتیک دارند. تأثیر و تأثر این دو (نظریه و فرهنگ) ضرورت تولید و توزیع نظریه های بومی و برآمده از فرهنگ جامعه را ایجاب می کند. هویت دینی و انقلابی جامعه ما و فاصله وضعیت موجود علوم و وضعیت مطلوب آن تجدید نظر مستمر و فعال را برای برآمدن از بنیان های کنونی علوم و رسیدن به رویکرد نظری دینی ضروری می سازد این امر ضرورت شتاب تحولات نظری علوم اجتماعی را در محیط بومی ایران بیشتر کرده و این شتاب به سهم خود دلیل مضاعفی را برای پویایی متون درسی این رشته فراهم می آورد. پرکردن شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب علوم اجتماعی مستلزم برخورد فعال نخبگان برای تولید نظریه و توزیع آن در سطوح مختلف آموزشی و آگاه نمودن و توجه دادن آینده سازان جامعه به این رسالت بزرگ است.

باگذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش عالمانه و مجدانه برای تحقق این آرمان مردم مسلمان ایران ضرورتی گریز ناپذیر است و عدول از آن توجیه ناپذیر. کتاب درسی باید به سهم خود در یادآوری ضرورت نضج و رونق یک جامعه خودآگاه دینی نقش ایفا نماید.

۱-۲- فلسفه وجودی دروس علوم اجتماعی

در تشریح این بند برنامه به چرایی و آثار مترتب بر آموزش علوم اجتماعی می پردازیم. دلایل بسیاری آموزش علوم اجتماعی را در دوره متوسطه توجیه می سازد که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می کنیم

۱- دانش اجتماعی (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی....) از شاخه‌های مهم و تأثیرگذار دانش بشری است. آشنایی دانش‌آموزان با این حوزه دانش مطلوب است □

۲- دانش اجتماعی با فرهنگ عمومی رابطه دیالکتیک دارد موضوع خود را تغییر می دهد می توان به کمک آن زمینه تغییرات و اصلاحات اجتماعی را در جامعه فراهم نمود. □

۳- ایجاد تمهید برای دوره‌های آموزش عالی از اهداف آشنایی دانش‌آموزان با مطالعات اجتماعی در دوره متوسطه است. یکی از آسیب‌شناسی‌های وضعیت امروزی علوم انسانی در دانشگاه‌ها عدم تمایل و راهیابی استعدادهای برتر جامعه به این حوزه است. معرفی مناسب این حوزه دانش به دانش‌آموزان در دوره متوسطه، استعدادهای برتر را در سطوح بالاتر به سمت علوم انسانی سوق می دهد □

۴- زمینه‌سازی برای اصلاح نظام آموزشی می تواند از کارکردهای دیگر آموزش دانش اجتماعی باشد. نظام آموزشی کشور ما متأثر از فضاهای معرفتی غرب است که می توان با رویکرد انتقادی و توجه دادن به ضرورت دانش اجتماعی بومی به بازاندیشی و اصلاح آن مبادرت ورزید. بنیان‌های علوم اجتماعی ریشه در زمینه‌های فکری دنیای غرب دارد. دانش‌آموزان نخستین مواجهات خود را در گذار از فرهنگ عمومی جامعه به فرهنگ علمی مدرن در این درس‌ها تجربه می کنند هویت وجودی این درس‌ها باید به گونه‌ای باشد که خلاقیت ذهنی دانش‌آموزان را نسبت به دانش جدید از بین نبرد و مانع تصلب و مطلق شدن دانش مدرن گردد. در صورتی که در نخستین مواجهات، دروس مزبور به صورت دانش متصلب و تغییر ناپذیر رایج شود ظرفیت‌های ذهنی برای برخورد فعال با این درس در مقاطع بالاتر زایل می شود. آشنایی با این درس باید با رویکرد بازخوانی و بازسازی دانش مدرن صورت گیرد □

۵- آشنایی دانش‌آموزان با زمینه‌ها و پیشینه‌های تاریخی و بومی دانش اجتماعی از دلایل ارائه مطالعات اجتماعی در دوره متوسطه است. این آشنایی هم در ایجاد علقه و علاقه و هم برخورد فعال و خلاق دانش‌آموزان نسبت به دانش اجتماعی نقش ایفا می کند. □

۶- نشان دادن پیوند وثیق زندگی اجتماعی با معنویت و دین می تواند از دلایل مهم آموزش علوم اجتماعی در جامعه ما باشد. به عنوان مثال بعضی از پایه های کلامی و فلسفی احتجاج و استدلال نبوت، زندگی جمعی و روابط اجتماعی انسانهاست. □

۷- آشنایی با ابعاد اجتماعی اسلام و تعمیق تربیت اجتماعی دینی از اهداف مهم آموزش دانش اجتماعی در دوره متوسطه است. اسلام به عنوان اجتماعی ترین دین توحیدی عنایت بسیار به ابعاد اجتماعی زندگی بشر دارد. شناخت دیدگاه اسلام و مؤلفه های آن برای تعمیق ارزش ها و هنجارهای دینی ضروری و دانش اجتماعی بستر این آشنایی است. □

۸- هویت بخشی اسلامی - ایرانی از دیگر دلایل آموزش دانش اجتماعی است. خودآگاهی و بالا بردن حساسیت های اجتماعی افراد و هویت بخشی به جامعه از کارکردهای مهم دانش اجتماعی است. باید از قابلیت های این حوزه دانش در بازیابی و احیای هویت تمدنی دنیای اسلام و برساختن افقی روشن پیشاروی جامعه ایران بهره برد.

۳-۱- اصول حاکم بر برنامه درسی

در تدوین عناصر و مؤلفه های برنامه درسی علوم اجتماعی اصولی مطرح نظر است که به اختصار به اساسی ترین آن ها اشاره می شود:

۱- رویکرد تربیتی داشته باشد. تربیت اجتماعی مبتنی بر ارزش های فرهنگی جامعه، هدف بلندی است که آموزش دانش اجتماعی معطوف به آن صورت می گیرد. به دلیل ارتباط مستقیم دانش و بینش اجتماعی با شخصیت و منش دانش آموزان رسالت نظری و تربیتی این درس غیرقابل تفکیک هستند. رسالت دانش اجتماعی در دوره متوسطه تربیت اجتماعی است. □

۲- نگاه جهانی داشته باشد: مطالعات اجتماعی اگر چه باید به زبان بومی و ناظر به مسایل اجتماعی باشد و از مبانی فرهنگی بومی استفاده کند باید نگاه جهانی داشته باشد. تعریف جغرافیای جهانی بر اساس محوریت دنیای اسلام به عنوان یک قطب تمدنی از کارکردهای بی بدیل دانش اجتماعی است. □

۳- نظر به ابعاد فرهنگی و تاریخی ایرانی - اسلامی داشته باشد و با استفاده از شواهد و قرائن بومی تدوین شده باشد. □

۴- ناظر به مسایل اجتماعی باشد: در هر جامعه ای بنا به شرایط و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خاص آن مسائل اجتماعی ویژه ای وجود دارد. شناخت این مسایل و روش های برخورد مناسب با آن ها برای یافتن راه های برون رفت، از دغدغه های جدی آموزش دانش اجتماعی است. □

۵- ترسیم گرافق روشنی باشد. کتاب درسی باید افق روشن و رفیعی پیش روی جامعه و فرزندان این مرز و بوم ترسیم نماید. تصویر آینده روشن، انگیزه بخش و از پیش نیازهای بینش و کنش اجتماعی

مثمر می باشد. تعریف اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت برای جامعه می تواند مقصد درخشانی برای حرکت رو به پیش افراد جامعه باشد. تشریح و تبیین خیزش تمدن اسلامی در این مورد راهگشا است. □

۶- پیشینه تاریخی و تمدنی دانش اجتماعی را مطمح نظر داشته باشد. به منابع و متون تاریخی کلاسیک، آیات، روایات ارجاع دهد و از آن ها بهره برد. □

۷- علم زده نباشد: دانش اجتماعی باید برخورد انتقادی و فعالی با فضای علم مدرن داشته باشد. و در نشان دادن هویت ایدئولوژیک دانش های موجود دریغ نکند و در راستای ایجاد زمینه های لازم برای بنیاد نهادن هویت علم دینی اجتماعی گام بردارد. □

۸- منزلت بخش دانش اجتماعی باشد. آموزش دانش اجتماعی باید در ترفیع منزلت و جایگاه دانش اجتماعی در رابطه با سایر معارف بشری نقش مهمی ایفا کند. □

۹- ترغیب کننده و تشجیع کننده برای نظریه پردازی، خلاقیت و نوآوری علمی باشد. تلنگر ذهنی و عینی در آینده سازان جامعه که آینده نظریه اجتماعی در گرو تولید علم و نظریه پردازی آن هاست. □

۱۰- رویکرد انتقادی داشته باشد: رویکرد انتقادی مقدمه و پیش نیاز برخورد اصلاحی به جهان، جامعه و خویشن است. و بدون شک رویکرد انتقادی در شناخت و فهم این سه نیز تأثیرات غیر قابل انکاری دارد. تقویت رویکرد انتقادی از مقید شدن غیر آگاهانه مخاطبان برنامه به تخته بندهای اجتماعی و شناختی جلوگیری می کند. □

۱۱- نسبت به مسائل اجتماعی اصلاح گر باشد: آموزش برخورد مسئولانه و متعهدانه به جامعه و مسائل آن و ایجاد توان شناختی و نگرشی در دانش آموزان برای اصلاح مسایل اجتماعی از کارکردهای مهم دانش اجتماعی است. □

۱۲- با موضوع خود ضدیت نداشته باشد: دانش اجتماعی در برخورد با جامعه و موضوعات اجتماعی با حفظ رویکرد انتقادی و اصلاحی خود نباید پرخاشگرانه عمل کند. □

۱۳- امید بخش باشد: دانش اجتماعی باید زمینه درونی سازی این اصل اساسی را در افراد جامعه فراهم آورد که امید را در هیچ شرایطی نباید از دست داد و حیات یک جامعه در گرو امید است. □

۱۴- ناظر به قابلیت ها، نیازها و علایق دانش آموزان باشد. مخاطبان اصلی فرآورده های آموزشی دانش آموزان هستند. □

۱۵- ناظر به سند چشم انداز نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. سند چشم انداز نظام جمهوری اسلامی ایران از اسناد بالادستی برنامه درسی دانش اجتماعی در دوره متوسطه است و کمک به تحقق اهداف سند مزبور مطمح نظر آموزش علوم اجتماعی است.

۴-۱- رویکرد برنامه

رویکرد، ناظر به دیدگاه و تصور بنیانی برنامه نسبت به مسائل و پدیده‌های اجتماعی است. بر اساس مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص خود و در چارچوب روش‌شناسی بنیادین آن شکل گرفته و حاکم بر چارچوب نظری برنامه است. برنامه درسی مطالعات اجتماعی ضمن اشراف بر نظریه‌های مدرن و الهام‌گیری و بهره‌گرفتن از مفاهیم و مباحث آن‌ها چارچوب نظری و تحلیلی خود را متناسب با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دینی و اسلامی سازمان می‌بخشد.

چنین رویکردی ضمن استفاده از دستاوردهای تجربی و روش‌های میدانی از اتکا به روش‌های پوزیتیویستی خودداری کرده و با انتقاد از آن تلاش می‌کند با توجه به حیات، آگاهی و مسئولیت‌انسانی پدیده‌های اجتماعی را فراتر از امور طبیعی همچون هستی‌های انسانی معنادار توصیف و تبیین کند. این رویکرد مبانی انتولوژیک و انسان‌شناختی خود را متناسب با آموزه‌های اسلامی و قرآنی و هماهنگ با آن برگزیده و براین اساس از سطوح مختلف عقلانیت تجربی، نظری، عملی و استنباطی که ناظر به آموزه‌های وحیانی است استفاده می‌کند.

در این رویکرد ضمن توجه به تفاوت‌های تجربه، تاریخ و فرهنگ بشری و نقش تأثیرگذار و سازنده آن به فطرت انسانی و هویت مشترک و الهی آن تأکید می‌شود و با قبول تبیین‌پذیری پدیده‌های اجتماعی از تقلیل علل به سطوح دنیوی و مادی پرهیز دارد و حضور ساحت‌های متعالی و معنوی عالم را در نظر دارد. و ضمن استفاده از عقل تجربی با استناد به آموزه‌های اسلامی و فلسفه‌های ایرانی از عقل نظری، متافیزیکی و عملی بهره‌برده و با تأکید بر نقش معرفتی و شناختی وحی از آموزه‌های دین و عقل استنباطی که ناظر به متن می‌باشد نیز استفاده می‌کند. این رویکرد بعد هنجاری و انتقادی خود را با استفاده از منابع معرفتی خود سازمان می‌بخشد.

این رویکرد از زمینه‌های فلسفی و ذخیره‌های مطالعاتی مسلمانان در حوزه مسائل اجتماعی استفاده کرده و بدین ترتیب افق‌های تدوین و شکل‌گیری نظریات بومی و اسلامی را به روی دانش‌آموزان می‌گشاید.

۱-۲- اهداف کلی برنامه

اهداف برنامه دانش اجتماعی در سه سطح دانشی، نگرشی و مهارتی قابل ارائه است.

• دانشی

۱. آشنایی با مفاهیم و بینش اجتماعی □
۲. آشنایی با مسائل و موضوعات اجتماعی □
۳. شناخت آرمان های اجتماعی اسلام

• نگرشی

۱. ایجاد علاقه همراه با برخورد فعال نسبت به دانش اجتماعی و کاربرد آن در زندگی □
۲. تعمیق روحیه اصلاحی و مواجهه متعهدانه با مسائل اجتماعی □
۳. تقویت نگرش مثبت نسبت به آرمان های اجتماعی اسلام □
۴. تعمیق تربیت و اخلاق اجتماعی و بالا بردن حساسیت های اجتماعی دانش آموزان □
۵. تقویت و تعمیق هویت ملی (اسلامی- ایرانی) □

• مهارتی

۱. توانایی در استفاده از مفاهیم اجتماعی در تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی □
۲. توانایی انجام تحقیقات ساده در موضوعات علوم اجتماعی □
۳. حضور فعال در عرصه های مختلف اجتماعی به منظور تحقق آرمان های اجتماعی □
۴. تقویت مهارت های اجتماعی و ارتباطی (ایجاد ارتباط با دیگران، همکاری، احترام به دیگران، مشورت، تحمل آرای دیگران و ...)

تحلیل اهداف علوم اجتماعی دوره متوسطه

تعیین و تأمین اهداف یک برنامه درسی مستلزم مطالعه عمیق و دقیق مراجع و منابع چهارگانه زیر است. اعتقادات و ارزش ها، جامعه، فراگیران، دانش.

• اعتقادات و ارزش ها

اعتقادات در چهار محور زیر با برنامه درسی جامعه شناسی تلاقی و تعاطی دارد.

۱- اعتقادات و ارزش های یک جامعه بخشی از فرهنگ آن جامعه و در واقع عمیق ترین لایه آن محسوب می شود. نسبت برنامه درسی و فرهنگ جامعه ضرورت توجه به این بعد را نمایان می سازد.

۲- اعتقادات در هویت نظری علم دخیل می شود و ساختار نظریه های علمی را تعیین می کند. این نسبت ضرورت توجه به این لایه و لوازم معرفتی و علمی آن را مضاعف می سازد.

۳- ارزش های اجتماعی جهت دهی ارزشی و نگرشی برنامه را تعیین می کند. هر برنامه درسی ارزش ها و نگرش هایی را تعقیب می کند از این رو نمی تواند نسبت به ارزش های اجتماعی بی توجه باشد.

۴- اعتقادات در وصول و کشف حقیقت نقش بنیادین و مبنایی دارد. لایه اعتقادی ساحت متافیزیک علم را تأمین کرده، اصول و مبانی روش شناختی بنیادین علم را پدید آورده و افق مواجهه با حقیقت را مشخص می کند.

توحید و آرمان ها و ارزش های برآمده از آن بنیان این لایه ی فرهنگ در جامعه ایران را شکل می دهد. مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی برنامه از این لایه اعتقادی اتخاذ می شود و برنامه در تمام جهت گیریهای اساسی خود از آن متأثر خواهد شد. تأکید می شود اعتقادات و ارزش ها پنهان ترین لایه برنامه درسی است. آثار اعتقادات و ارزش ها، به طور خاص در اهداف زیر، نمایان است.

۱. آشنایی با مفاهیم و بینش اجتماعی برخاسته از مبانی و بنیادهای اعتقادی اسلامی.

۲. شناخت ارزش ها و آرمان های اجتماعی اسلام.

۳. تقویت نگرش فراگیران نسبت به ارزش ها و آرمان های اجتماعی.

۴. حضور فعال در عرصه های اجتماعی برای تحقق و پیگیری این آرمان ها.

• جامعه

جامعه در دو محور عمده زیر با برنامه درسی جامعه شناسی دوره متوسطه ارتباط می یابد:

۱. **نیازهای اجتماعی:** رفع پاره ای از نیازهای جامعه، از وظایف برنامه درسی مطالعات اجتماعی است. دانش اجتماعی دوره متوسطه با انتقال ارزش ها و هنجارها به فراگیران، در فرایند جامعه پذیری به عنوان یکی از برترین نیازهای جامعه و افراد آن ایفای نقش می کند. همچنین با تربیت نیروی انسانی زمینه پاسخ گویی به پاره ای از نیازهای تخصصی جامعه را فراهم می آورد. از این منظر اهمیت آشنایی دانش آموزان با مفاهیم و بینش اجتماعی آشکار می گردد.

۲. **مسائل اجتماعی:** رسالت دانش اجتماعی شناسایی و گره گشایی از مسائل اجتماعی به معنای عام آن می باشد. هر جامعه ای مسائل اجتماعی خاص خود را دارد شناخت مسائل جامعه بویژه مسائل مربوط به محیط زندگی و تجارب روزمره ی دانش آموزان و تحلیل صحیح آن ها موجب گسترش بینش اجتماعی دانش آموزان و افزایش توانایی آن ها در تحلیل مسائل و ایجاد علاقه و برخورد اصلاح گرایانه به چنین مسائلی می شود. از اهداف برنامه موارد زیر با مسائل اجتماعی مرتبط هستند.

- آشنایی با مسائل و موضوعات اجتماعی
- توانایی در استفاده از مفاهیم اجتماعی در تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی
- ایجاد علاقه همراه با برخورد فعال نسبت به دانش اجتماعی و کاربرد آن در زندگی
- تعمیق روحیه اصلاحی و مواجهه متعهدانه با مسائل اجتماعی

اصول و معیارهای گزینش و تبیین مسائل اجتماعی

در راستای شناسایی و تعیین میزان اهمیت مسایل اجتماعی باید استقراء قابل قبولی از مسائل اجتماعی جامعه و دانش آموزان صورت بگیرد. برای شناخت مسائل و نیازهای جامعه و دانش آموزان راه های متفاوتی وجود دارد. داده ها و اطلاعات مورد نیاز را می شود به دو دسته داده ها موجود و داده هایی که باید تولید شوند تقسیم کرد. داده های موجود را می توان از مراجع و منابع متفاوتی چون اسناد، مدارک، پژوهش های انجام شده و پایان نامه های دانشجویی به دست آورد. با نظر سنجی از دانش آموزان، دبیران و صاحب نظران داده ها و اطلاعات مورد نیاز برنامه تولید می شود. اصول حاکم بر فرایند گزینش و تحلیل مسائل اجتماعی عبارتند از:

- ۱- مسأله مورد انتخاب باید مسأله دانش آموز باشد و با علایق، نیازها و آینده او ارتباط داشته باشد.
- ۲- مسأله ی عموم دانش آموزان و فراگیران باشد.
- ۳- مسأله ای باشد که سرچشمه سایر مسائل اجتماعی باشد و حتی المقدور بتوان در پایه ها و سطوح مختلف به آن پرداخت.
- ۴- مسأله مورد انتخاب مستعد تبیین اجتماعی باشد.
- ۵- تبیین ارائه شده باید طوری باشد که در تصمیم گیری و کنش دانش آموز اثر مثبت داشته باشد و دانش آموز خود را در رفع آن توانا بیابد.
- ۶- تحلیل آن در زندگی دانش آموزان سودمند و آرمان بخش باشد.
- ۷- قدرت خلاقیت دانش آموز را تقویت کند و فرصت مناسبی برای فعالیت های یادگیری ایجاد کند.
- ۸- مسأله مورد انتخاب حتی المقدور در محدوده تجربیات دانش آموزان باشد و یادگیری آن دشوار نباشد.
- ۹- مسائل مورد تبیین باید ناظر به **سطوح** مختلف (اعتقادات، ارزش ها، هنجارها، نمادها، رفتارها و...) اجتماعی باشد.
- ۱۰- مسائل مورد بررسی باید ناظر به **ابعاد** مختلف (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) جامعه باشد.

۱۱- نگاه تاریخی و فرهنگی بر گزینش و تحلیل مسایل اجتماعی حاکم باشد یعنی صورت و ماهیت تاریخی و فرهنگی داشته باشند.

۱۲- در صورت زیاد بودن تعداد مسائل مهمترین آن ها مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرند.

• فراگیران:

توجه به فراگیران به عنوان مخاطب اصلی فراورده های آموزشی و محمل تأمین اهداف آموزشی، ضرورتی گریز ناپذیر است. اینکه فراورده های آموزشی برای چه کسی با چه خصوصیتی و چه میزان توانایی ذهنی و با چه علایق و نیازهایی تهیه می شود امری اساسی است که برنامه درسی و محتوای فراورده های آموزشی مبتنی بر آن را متأثر می سازد و بی توجهی به آن حتی اگر در تعیین و تدوین اهداف بتوان از آن چشم پوشید تأمین اهداف را ناممکن می سازد.

بنابراین برنامه درسی باید به علایق، نیازها و توانایی های ذهنی فراگیران توجه خاص داشته باشد. ویژگی های فراگیران مخاطب این برنامه همان ویژگی های عام نوجوانان و جوانان دوره متوسطه است. که می توان به شکل گیری دوره تفکر انتزاعی، دوره هویت یابی و نیاز مندی به امید و آرمان، کنجکاوی، علاقه مندی به شناخت محیط اطراف خود بویژه محیط اجتماعی و تجزیه و تحلیل مسائل آن، عضویت در گروه های مختلف اجتماعی و علاقه به ابراز وجود و ... اشاره کرد. به دلیل اهمیت این منبع سعی می شود نیازها و علایق فراگیران تا حد امکان شناسایی و در فرایند تدوین برنامه تولید فراورده های آموزشی مورد توجه قرار گیرند. که نیاز سنجی از دانش آموزان و همچنین شناسایی مسائل آن ها و موضوعات مورد علاقه آن ها یکی از این راه هاست. چنان چه گذشت تعداد زیادی از اصول گزینش و تبیین مسائل اجتماعی، ناظر به ویژگی های فراگیران است.

• دانش

دانش اجتماعی (مردم شناسی، جامعه شناسی، علوم سیاسی، ارتباطات ...) حوزه دانشی برنامه درسی حاضر است که محتوای برنامه را با توجه به اقتضات سایر منابع (اعتقادات و ارزش ها، جامعه و فراگیران) تشکیل می دهد. در تشریح چگونگی تعامل یا تعیین داده و ستانده های دانش اجتماعی و سایر مؤلفه های برنامه در تعیین اهداف، محورهای زیر قابل توجه است.

۱. **بینش اجتماعی:** از اهداف آموزش دانش اجتماعی در دوره متوسطه آموختن تفکر و بینش اجتماعی است: فراگیران باید نسبت به مسائل و موضوعات درک و بینش اجتماعی پیدا کنند. اگرچه آموزش دانش اجتماعی ناظر به آشنایی دانش آموزان به مفاهیم و ساحات مختلف این حوزه دانشی می باشد ولی این امر نیز در راستای حصول بینش اجتماعی صورت می گیرد. رفتار افراد انسانی زمینه اجتماعی دارد و مستقل از فضای اجتماعی پیرامون خود انجام نمی گیرد از این رو باید زمینه های اجتماعی نضج و

رونق رفتار را شناسایی کرد. البته این رابطه یک طرفه نیست. شرایط و ساختارها، زمینه‌های عملکرد کنشگران را تعیین می‌کنند، عوامل انسانی هم با کنش‌های به نسبت آگاهانه‌ی شان شرایط بازتولید این ساختارها را فراهم می‌سازند. پس باید به نقش فعال و خلاق کنشگران در شکل‌گیری این ساختارها نیز توجه کرد. جامعه به تمامه انسان را شکل نمی‌دهد بلکه خود فرد، فطرت و گرایش‌ات او در تکوین شخصیت فرد و رفتارهای اجتماعی و اصلاح فرد نقش دارد و نباید فرد و جامعه را به یکدیگر تقلیل داد□

۲. **تربیت اجتماعی:** اگر کسب بینش اجتماعی را مهم‌ترین هدف شناختی این برنامه بدانیم بدون شک تربیت اجتماعی هدف اصلی برنامه آموزش دانش اجتماعی در سطح متوسطه است. بینش اجتماعی ارائه شده باید زمینه جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی دانش‌آموزان را فراهم آورد. به دلیل ارتباط مستقیم دانش و بینش اجتماعی با شخصیت و منش دانش‌آموزان رسالت شناختی و تربیتی این درس غیرقابل تفکیک هستند. باید گفت آشنایی با مفاهیم و دانش اجتماعی تا جایی که زمینه کسب بینش اجتماعی باشد و هر دو به قدر ظرفیت شان در زمینه‌سازی برای تربیت اجتماعی مورد توجه می‌باشند. رسالت دانش اجتماعی در دوره متوسطه تربیت اجتماعی است.□

۳. **ارتباط علم با فرهنگ عمومی از جمله ارتباط جامعه‌شناسی با دین:** جامعه‌شناسی و فرهنگ با یکدیگر رابطه‌ای دیالکتیکی دارند و از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند و برهم تاثیر می‌گذارند. نظریه‌ها و توصیف و تبیین‌هایی که در قالب علوم اجتماعی ارائه می‌شود هویت فرهنگی و تاریخی خاص خود را دارند که با تغییر این زمینه‌های تاریخی و فرهنگی تغییر می‌یابند به تعبیر دیگری نظریه‌ها و تبیین‌ها با تغییر شرایط وجودی و شناختی خود تغییر می‌یابند همچنانکه خود می‌توانند به تغییر و تبدیل این شرایط کمک کنند. همین رابطه دیالکتیکی ما را به تأمل و تعمق بیشتری در این رابطه فرا می‌خواند.

۴. **انتخاب دیدگاه مناسب برای تحلیل اجتماعی (توجه به دیدگاه‌های فرهنگی و بومی):** مطالعات اجتماعی مرسوم ریشه‌های فکری و معرفتی گوناگونی را باز تولید می‌کند و درون خود گونه‌ها و گوناگونی‌هایی دارد. مهم‌تر این که حتی در هر حوزه خاص هم دیدگاه‌های نظری متنوع و متکثری وجود دارد. این تنوع و عدم یگانگی به عوامل مختلفی همچون تصورات مختلف از موضوعات مورد مطالعه، مسائل مورد بررسی، هدف و رسالت دانش؛ نگرش‌های متفاوت به علم و روش‌های علمی؛ شرایط شناختی و وجودی شکل‌گیری اندیشه‌ها بر می‌گردد. تنوع و تکثر دیدگاه‌ها در عرصه مطالعات اجتماعی، گزینش دیدگاه مناسب برای توصیف و تبیین موضوعات و مسائل اجتماعی را ضروری می‌سازد. در این برنامه برای انتخاب دیدگاه مناسب می‌توان ضمن توجه به دیدگاه‌های مختلف موجود، از رویکردی فرهنگی و تمدنی که ناظر به ذخایر و سرمایه‌های تاریخی جهان اسلام است بهره گرفت.

۵. قابلیت تعامل فعال انسان با موقعیت های متنوع اجتماعی: این اصل وجوه و سطوح متعددی دارد. انسان می تواند در جامعه نقش های متفاوت و متضادی ایفا کند. توانایی درک و فهم فرهنگ و خرده فرهنگ های دیگر را داراست و در قبال آن ها می تواند فعال یا منفعل باشد. انسان در تعامل فعال با دیگر فرهنگ ها می تواند به گزینش پرداخته، رویکردی فعال؛ اصلاحی یا انقلابی و نفی کننده داشته باشد. انسان توانایی سازگاری با فرهنگ ها و خرده فرهنگ های دیگر را دارد. این ظرفیت انسانی، در توصیف و تبیین تکثر فرهنگی و تمدنی جهان امروز و چگونگی تعامل با آن، مبنای مورد توجه برنامه است.

۲-۲- محتوای برنامه

۲-۲-۱- مفاهیم اساسی برنامه

جداول مفاهیم اساسی و تعمیم های کلی

الف: جدول وسعت و توالی مفاهیم درس مطالعات اجتماعی

واحد یادگیری شماره ۱

اهداف: آشنایی دانش آموزان با

- ۱- تفاوت شناخت عمومی و دانش اجتماعی
- ۲- نیازهای مختلف انسان
- ۳- تفاوت انسان و حیوان در تأمین نیازها
- ۴- ضرورت تقسیم کار برای تأمین نیازهای آدمی
- ۵- برخی از صاحب نظران و نظریه پردازان دانش اجتماعی به تناسب موضوع
- ۶- انواع رفتارها و کنش های انسانی به اجمال
- ۷- مفهوم تعامل اجتماعی و ضرورت آن
- ۸- معنای مبادله و قانون به عنوان اقتضائات رفتار و تعامل اجتماعی

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
زندگی اجتماعی	آگاهی اجتماعی	آگاهی علمی و آگاهی عمومی
	نیاز به جامعه	نیاز های انسان: نیازهای مادی (خوراک، پوشاک، مسکن و...) و معنوی (علم و معرفت، محبت، امنیت،...) خود بسنده نبودن انسان برای رفع نیازها
	تقسیم کار اجتماعی	ضرورت تقسیم کار دیدگاه ابن سینا، دورکیم و علامه طباطبایی
	تعامل اجتماعی	کنش های انسانی رفتارهای معطوف به دیگری مبادله قانون

واحد یادگیری شماره ۲

اهداف: آشنایی دانش آموز با

- ۱- مفهوم هنجار و چگونگی پیدایش آن در اثر تعامل اجتماعی و تفاوت آن با تعامل اجتماعی
- ۲- معنای نقش اجتماعی و ارتباط آن با هنجارها و ارزش ها
- ۳- رابطه رفتارها، هنجارها و نقش ها با ارزش های اهداف و آرمان ها
- ۴- جایگاه عقاید بنیادی (جهان بینی، انسان شناسی) در تعیین ارزش ها و اهداف مختلف
- ۵- مفاهیم نظام اجتماعی، نظام اجتماعی کل، و خرده نظام ها
- ۶- ارتباط هر نظام اجتماعی با عقاید، ارزش ها، هنجارها

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
نظام اجتماعی	هنجارهای اجتماعی	چگونگی تکوین الگوهای رفتاری ضرورت وجود هنجارها در زندگی اجتماعی
	نقش های اجتماعی	معنای نقش اجتماعی ارتباط نقش ها با هنجارهای اجتماعی وابستگی متقابل نقش ها
	ارزشها و آرمانهای اجتماعی	نقش های حاصل از تقسیم کار اجتماعی در راستای تحقق ارزش ها عمل می کنند. تأثیر ارزش ها در پیوند نقش های مختلف
	عقاید و باورهای بنیادین	عقاید و باورهای کلان شناخت آدمی نسبت به خود، جهان و جایگاه آن در جهان، زندگی، مرگ و سعادت و کمال نسبت منطقی عقاید و باورها با ارزش ها و هنجارها
	نظام اجتماعی	نظام و اقسام تکوینی و انسانی آن نظام اجتماعی به عنوان مجموعه نقش های متقابل برای تحقق آرمان ها و ارزش های مشخص که بر مبنای عقاید و باورهای خاص سازمان می یابند.
	خرده نظام	نظام های جزئی که بخشی از نظام های کل هستند. ارتباط و هماهنگی خرده نظام ها

واحد یادگیری شماره ۳

اهداف: آشنایی دانش آموزان با

- ۱- مفاهیم تداوم ، بسط و توسعه نظام اجتماعی
- ۲- نیاز جامعه به فرد
- ۳- مفاهیم جامعه پذیری و کنترل اجتماعی.
- ۴- تأثیر جامعه پذیری و کنترل اجتماعی در به خدمت گرفتن فرد برای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی
- ۵- مسأله رابطه فرد و جامعه و دیدگاه‌های مختلف در این باره
- ۶- نظریه فطرت و تأثیر آن در تبیین مسأله فرد و جامعه
- ۷- مسئولیت انسان در بقای نظام اجتماعی
- ۸- نمونه‌های تاریخی و معاصر واکنش‌های متعهدانه و مسئولانه انسان‌ها در تداوم نظام اجتماعی

عنوان	مفاهیم	تعمیم‌ها
فرد و جامعه	جامعه پذیری	تشبیه عملکرد نظام اجتماعی با نظام‌های تکوینی در جهت تداوم و توسعه خود نیاز نظام اجتماعی به انسان عوامل جامعه پذیری
	کنترل اجتماعی	فرایند مکمل جامعه پذیری جامعه پذیری از طریق پاداش و تنبیه (مجازات)
	رابطه فرد و جامعه	نظریات مختلف درباره نسبت فرد و جامعه
	فطرت	ابعاد مختلف وجود انسانی و فطرت الهی ارزش‌ها، آرمان‌ها، عقاید و سعادت مطابق با فطرت انسان
	اختیار و مسئولیت	اختیار و مسئولیت انسان شکل‌گیری نظام‌های مختلف بر اساس آگاهی‌ها و اراده‌های مختلف انسان‌ها

واحد یادگیری شماره ۴

اهداف: آشنایی دانش آموزان با

- ۱- انواع نظام های اجتماعی و تقسیم بندی های گوناگون نظام های اجتماعی
- ۲- امکانات و احتمالات مختلف زندگی اجتماعی
- ۳- مفهوم تغییرات اجتماعی و انواع آن
- ۴- علل فرهنگی تغییرات اجتماعی
- ۵- مفهوم انقلاب اجتماعی و صورت های مختلف آن
- ۶- مقایسه بین انقلاب های مختلف
- ۷- انقلاب های بزرگ و از جمله انقلاب اسلامی ایران

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
تغییرات اجتماعی	نظام های اجتماعی	انواع نظام های اجتماعی دیدگاه های گوناگون تقسیم بندی نظام های اجتماعی
	تغییرات اجتماعی	انواع تغییرات اجتماعی تغییرات اصلاحی و انقلابی
	تضاد ارزش ها، آرمان ها و عقاید	نظام های هنجاری و ارزشی مختلف هماهنگی هنجارها و ارزش ها تضاد و ستیز آرمان ها و عقاید
	انقلاب اجتماعی	ارزش ها و آرمان های انقلابی انقلاب های سرکوبگر و آزادیبخش انقلاب های مخملی و نارنجی انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، انقلاب اسلامی ایران

واحد یادگیری شماره ۵

اهداف: آشنایی دانش آموزان با

- ۱- رابطه تفکر و نظام اجتماعی
- ۲- تأثیرات تاریخی تفکر اسلامی در شکل گیری تمدن اسلامی
- ۳- ابعاد اجتماعی تفکر اسلامی
- ۴- پیامدهای فرهنگی و اجتماعی اعتقادات اسلامی نظیر توحید و انسان شناسی دینی
- ۵- رویکرد عقلانی اسلام
- ۶- اندیشه ها و آرمان های اجتماعی و سیاسی اسلام
- ۷- رویکرد جهانی و تمدنی اسلام
- ۸- اندیشه ها و اهداف اقتصادی اسلام
- ۹- نظام خانواده در اسلام.

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
تفکر اجتماعی اسلام	تفکر و نظام اجتماعی	نسبت تفکر و نظام اجتماعی
	تأثیرات تاریخی اجتماعی تفکر اسلامی	مقایسه تفکر و نظام قبیله ای قبل از اسلام و نظام اجتماعی اسلامی پیامدهای تاریخی و تمدنی تفکر اسلامی
	نظام اعتقادی اسلام	ابعاد اجتماعی توحید و هستی شناسی قدسی کرامت، خلافت و مسئولیت انسان وحی و عقلانیت
	اندیشه اجتماعی اسلام	نگاه فعال اجتماعی اسلام و نفی رهبانیت رویکرد معنوی و قدسی به زندگی انسان حاکمیت الهی و نفی طاغوت مردم سالاری دینی و مسئولیت همگانی استقلال جامعه اسلامی رسالت جهانی امت اسلامی
	اندیشه اقتصادی اسلام	عدالت و قسط چرخش ثروت در جامعه تأمین اجتماعی خدمات اجتماعی
	خانواده در اسلام	قداست خانواده حقوق و تکالیف خانواده

ب: جدول وسعت و توالی مفاهیم درس جامعه شناسی دوم دبیرستان

واحد یادگیری شماره ۱

اهداف شناختی:

آشنایی دانش آموز با:

- ۱- موضوع دانش اجتماعی
- ۲- تفاوت موضوع علوم انسانی با علوم طبیعی
- ۳- جایگاه کنش ها و معانی در علوم انسانی
- ۴- تاریخچه اجمالی بحث و دیدگاه های مختلف آن
- ۵- حکمت نظری و حکمت عملی

اهداف نگرشی:

- ۱- زمینه سازی برای مواجهه خلاق با دانش اجتماعی
- ۲- نگرش نسبت به تلاش های علمی تاریخی
- ۳- ایجاد همدلی با متفکرین جهان اسلام
- ۴- مصونیت بخشی نسبت به تسلط نگرش اثبات گرایانه به علوم اجتماعی
- ۵- ایجاد خودآگاهی اجتماعی

اهداف مهارتی

- ۱- توانایی در نگاه تاریخی به تحولات دانش اجتماعی
- ۲- توانایی تشخیص انگاره های مختلف دانش اجتماعی
- ۳- به کارگیری مفاهیم مختلف اجتماعی
- ۴- آماده سازی ذهنی برای حضور فعال و تأثیرگذار اجتماعی

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
کنش و دانش اجتماعی	علوم انسانی و علوم طبیعی	علوم انسانی با علوم طبیعی تفاوت دارند. تفاوت این علوم به نوع موضوعات آن هاست. موضوعات علوم انسانی با اراده و آگاهی انسان پدید می آیند.
	دانش اجتماعی	- کنش اجتماعی رفتار معنادار معطوف به دیگری است. - نظام اجتماعی بر ایند کنش های متقابل اجتماعی است. - موضوع دانش اجتماعی کنش و نظام اجتماعی است. - علوم انسانی را در قرن نوزدهم شبیه به علوم طبیعی می دانستند. (کنت و فیزیک اجتماعی) - ديلتای از اولین متفکرین مدرن است که به تفاوت موضوع علوم اجتماعی و طبیعی توجه نمود. - (کنت، ديلتای، فارابی، علامه طباطبایی)
	حکمت عملی و حکمت نظری	اندیشمندان اجتماعی از دیرباز به تفاوت نوع موضوع علوم انسانی با موضوعات دیگر علوم واقف بود. متفکرین مسلمان به تفاوت نوع موضوع علوم انسانی با موضوعات دیگر علوم واقف بودند. تقسیم علوم به علوم نظری و عملی در جهان اسلام ناظر به تفاوت موضوعی علوم انسانی و غیر آن است.

واحد یادگیری شماره ۲

اهداف شناختی:

آشنایی دانش آموز با:

- ۱- هویت جهان اجتماعی
- ۲- تنوعات جهان اجتماعی
- ۳- تقسیمات مختلف جهان‌های اجتماعی
- ۴- جهان‌های معنوی و سکولار؛ جهان‌های بسته و باز؛ جهان‌های سه گانه کنت؛ دوگانه دور کیم؛ دوگانه سن سیمون؛ جامعه و اجتماع تونیس؛ بدوی و حضری ابن خلدون؛ فاضله و جاهله فارابی
- ۵- نگاه‌های خطی و غیر خطی به جهان‌های اجتماعی

اهداف نگرشی:

- ۱- احساس مسئولیت انسانی نسبت به مسایل اجتماعی
- ۲- زمینه سازی برای رشد روحیه اصلاحی و مواجهه متعهدانه با مسایل اجتماعی
- ۳- ایجاد انگیزه‌های جهانی و تاریخی

اهداف مهارتی:

- ۴- توانایی نگرش کلان به مسایل اجتماعی
- ۵- توانایی تناسب بین جهان‌های مختلف اجتماعی
- ۶- توانایی پیگیری پیامدهای ضروری واقعیت‌های اجتماعی
- ۷- زمینه سازی برای حضور خلاق در فعالیت‌های تمدنی

تعمیم ها	مفاهیم	عنوان
<p>جهان اجتماعی دارای سطوح و لایه های مختلف است لایه ها و سطوح مختلف جهان اجتماعی با یکدیگر تناسب دراند. هر نظام اجتماعی با اجزا و لایه های خود جهانی را که متفاوت با جهان طبیعی است شکل می دهد. نمادها، ارزش ها، آرمان ها و عقاید، کنش های انسانی اجزاء جهان اجتماعی هستند. جهان اجتماعی هویتی بین الاذهانی دارد.</p>	جهان اجتماعی	جهان های اجتماعی
<p>عوالم غیر انسانی از هویتی ثابت و یکسان برخوردارند. جهان اجتماعی صورت های متنوع و مختلفی می تواند پیدا کند. تنوع جهان اجتماعی، به تنوع کنش ها، هنجارها، ارزش ها و آرمان ها و عقاید باز می گردد. هر جهان اجتماعی الزامات، پیامدهای تکوینی و غیرارادی مربوط به خود را دارد.</p>	انواع جهان های اجتماعی	
<p>جهان های اجتماعی را براساس جوامع مختلف به انواعی تقسیم کرده اند. برخی از اندیشمندان، تنوع جهان های اجتماعی را به صورت محدود و جبری دانسته اند. برخی از متفکرین صورت های متنوعی از جهان های اجتماعی را ترسیم کرده اند.</p>	تقسیمات جهان های اجتماعی	

واحد یادگیری شماره ۳

اهداف شناختی:

آشنایی دانش آموز با:

- ۱- تفاوت فهم عمومی و فهم عالمانه و نسبت آن ها
- ۲- شناخت اقسام فهم های عالمانه: وحیانی، عقلانی، حسی، اساطیری
- ۳- فهم حسی و تجربی به عنوان فهم علمی جهان غرب
- ۴- عقلانیت و علم اجتماعی جهان اسلام
- ۵- فهم تجربی و عقلی در نگاه اسلام
- ۶- نمونه های تاریخی فهم عالمانه در جهان اسلام

اهداف نگرشی:

- ۱- ایجاد انگیزه برای برخورد فعال و خلاق نسبت به شناخت اجتماعی
- ۲- ایجاد نشاط و شورآفرینی علمی در دانش آموز
- ۳- ایجاد انگیزه برای تولید دانش تاریخی و تمدنی متناسب با جهان اسلام
- ۴- ایجاد نگرش انتقادی نسبت به شناخت اجتماعی معاصر

اهداف مهارتی:

- ۱- توانایی امتیاز گذاردن بین انواع شناخت های اجتماعی
- ۲- توانایی شناخت رویکردهای کلان معرفتی در دانش اجتماعی
- ۳- زمینه سازی برای استفاده از مفاهیم اجتماعی قرآنی

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
فهم های اجتماعی	فهم عالمانه	فهم عالمانه با فهم عمومی متفاوت است. جهان اجتماعی از فهم عالمانه دانشمندان تأثیر می پذیرد.
	اقسام فهم عالمانه	درباره شناخت علمی دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. شناخت های تجربی، عقلی و وحیانی از انواع شناخت اجتماعی هستند.
	علم تجربی اجتماعی	جهان اجتماعی موجود شناخت علمی را شناخت تجربی می داند. نگاه تجربه گرایانه در جهان اجتماعی موجود از قرن نوزدهم مسلط شده است. مشکل جامعه شناسی تجربی، پی آمد جهان اجتماعی است. دانش تجربی محدودیت های فراوانی را به دنبال می آورد.
	علم عقلی اجتماعی	برخی از متفکرین شناخت علمی را محدود به شناخت تجربی می کنند. متفکرین دنیای اسلام علاوه بر شناخت تجربی شناخت عقلی را نیز معتبر می دانستند مطالعات بسیاری از اندیشمندان اجتماعی معاصر به شناخت تجربی محدود نمی شود
	وحی و نقل، علم دینی اجتماعی	شناخت علمی جامعه و شناخت حسی و عقلی محدود نمی شود. وحی و نقل نیز به تبیین علمی مسایل اجتماعی می پردازد. قرآن کریم بسیاری از قوانین جهان اجتماعی را بازگو می کند.

ج: جدول وسعت و توالی مفاهیم درس جامعه‌شناسی سوم دبیرستان واحد

یادگیری شماره ۱

اهداف: آشنایی دانش آموزان با:

- ۱- بازخوانی نظام اجتماعی براساس آموزه‌های قبلی
- ۲- شناخت ابعاد و ساحت‌های مختلف اجتماعی
- ۳- تفکیک ابعاد ذهنی / عینی؛ فرهنگی تمدنی؛ معنوی / مادی جامعه و شناخت نسبت این ابعاد با یکدیگر
- ۴- تفکیک بین سطوح خرد / کلان؛ عاملیت / ساختار جامعه
- ۵- تفکیک نظم و تغییر اجتماعی
- ۶- تحلیل نظم اجتماعی با تشریح نهادهای اساسی

مفاهیم کلی	مفاهیم جزئی	تعمیم ها	مهارت ها
	جهان اجتماعی	از نظام اجتماعی با عنوان جهان اجتماعی نیز یاد می شود. جهان اجتماعی هویتی آگاهانه و ارادی دارد. جهان اجتماعی دارای اجزاء و سطوح مختلفی است. اجزا و سطوح جهان اجتماعی وابسته و نیازمند به یکدیگر هستند.	می تواند به پدیده های اجتماعی به عنوان موضوع مطالعه و دانش نگاه کند. می تواند نظام اجتماعی را با ارگانسیم زنده مقایسه کند.
نظام اجتماعی	ابعاد ذهنی جهان اجتماعی ابعاد عینی جهان اجتماعی	بعضی از اجزاء و لایه های جهان اجتماعی محسوس و طبیعی هستند. بعضی از اجزاء و لایه های جهان اجتماعی با این که دارای آثار و پیامدهای محسوس هستند حقیقتی مادی و محسوس نیستند. ابعاد محسوس و طبیعی جهان اجتماعی از ابعاد ذهنی و معنوی آن گسسته نمی باشند. ابعاد ذهنی و معنوی جهان اجتماعی دارای آثار و پیامدهای محسوس و طبیعی هستند.	برای ارزش ها و باورها اهمیت اجتماعی قابل شود. پدیده های اجتماعی را معنادار ببیند. از رویکرد طبیعی به علوم اجتماعی اجتناب کند.
یا جهان اجتماعی	ابعاد خرد جهان اجتماعی ابعاد کلان جهان اجتماعی	بخشی از اجزاء جهان اجتماعی خرد و جزئی هستند. بخشی از اجزاء جهان اجتماعی کلان و گسترده هستند. فرد به عنوان یک عامل فعال و تأثیرگذار و کنش های فردی او از اجزاء خرد جهان اجتماعی است. نهاد ها و ساختارهای اجتماعی از اجزاء کلان جهان اجتماعی هستند.	توان تفکیک میان پدیده های خرد، میانی و کلان اجتماعی را دارد. آمادگی ذهنی برای درک مفاهیم انتزاعی و کلان اجتماعی را دارد.
نهادهای اجتماعی		نهاد اجتماعی شیوه های پذیرفته و مستقر برای رفع نیازهای جامعه است. برخی از نهادهای اجتماعی برای تأمین نیازهای اساسی و حیاتی در جامعه شکل می گیرند. اقتصاد، آموزش و پرورش، سیاست، خانواده برخی از نهادهای اساسی جامعه هستند. تغییر نهادهای اساسی موجب تغییر جهان اجتماعی می شوند. نظم موجود بین نهادهای اجتماعی مختلف نظم جهان اجتماعی را به وجود می آورد.	برای تحلیل اجتماعی (فرا فردی) پدیده های اجتماعی آمادگی دارد. نگاه ساختاری و نهادی به جهان اجتماعی و اجزاء آن را دارد. بین نهادهای اساسی جهان اجتماعی تفکیک قابل می شود. برای تحلیل نظم اجتماعی آمادگی دارد.

واحد یادگیری شماره ۲

اهداف: آشنایی دانش آموزان با:

- ۱- تأثیر جامعه در تکوین هویت فردی از طریق تبیین رابطه فرد و جامعه (جامعه پذیری)
- ۲- تنوع هویت های جمعی و فردی با عنایت به مباحث مربوط به انواع جهان های اجتماعی
- ۳- هویت حقیقی و الهی انسان با استفاده از مباحث فطرت
- ۴- ظرفیت نقد هویت های اجتماعی و تبیین مسأله از خود بیگانگی با شناخت هویت حقیقی انسان
- ۵- هویت کاذب و واقعی
- ۶- تفاوت فرهنگ موجود، آرمانی و حقیقی
- ۷- تبیین درست فرهنگ حق و باطل

مفاهیم کلی	مفاهیم جزئی	تعمیم ها	مهارت ها
هویت و فرهنگ	هویت	هویت تفسیری است که نسبت به خود یا جامعه وجود دارد. هویت دو صورت فردی و اجتماعی دارد. هویت جمعی در تکوین هویت فردی تأثیرگذار است.	خودآگاهی تاریخی و اجتماعی دارد.
	تنوع هویتی	هویت صورت تاریخی و فرهنگی دارد و از این رو سیال است. هرجهان اجتماعی از هویتی متناسب با خود برخوردار است. جهان های مغایر هویت های متفاوت دارند.	توان توجه به هویت دیگری دارد.
	بحران هویت	برخی از تحولات اجتماعی ملازم با تغییرات هویتی است. هر هویت اجتماعی مستند به نظام معرفتی و آگاهی مناسب با خود است. تفسیرهای ناسازگار از فرد به بحران هویت منجر می شود. تهاجم فرهنگی ترویج و تحمیل شیوه های هویتی ناسازگاری است که به بحران آگاهی منجر می شود.	توان تحلیل چالش های هویتی را دارد. توان تحلیل مسأله تهاجم فرهنگی را دارد.
	هویت اجتماعی هویت فطری	هویت اجتماعی در فرایند جامعه پذیری باز تولید می شود. انسان صرف نظر از هویت اجتماعی دارای هویتی فطری است. هویت اجتماعی می تواند سازگار یا ناسازگار با هویت فطری باشد.	توانایی تفکیک بین هویت های تاریخی و اجتماعی با هویت فطری
	از خود بیگانگی	هویت اجتماعی در صورتی که ناسازگار با هویت فطری باشد هویتی کاذب است. هویت های کاذب به از خود بیگانگی انسان و جامعه منجر می شود. تفسیرهای مختلفی از از خود بیگانگی وجود دارد.	توان موضع گیری در قبال هویت های تاریخی کاذب دارد در قبال هویت اجتماعی احساس مسئولیت می کند.
	فرهنگ مطلوب	فرهنگ واقعی فرهنگی است که جامعه براساس آن رفتار می کند. فرهنگ آرمانی فرهنگی است که مطلوب جامعه است. فرهنگ حق فرهنگ مطابق با فطرت آدمی است.	در قبال هویت دینی اجتماعی احساس مسئولیت می کند. در قبال چالش های هویت دینی مصونیت دارد.

واحد یادگیری شماره ۳

اهداف: آشنایی دانش آموزان با:

- ۱- با مفاهیم سیاست، اقتدار، نهاد سیاست و نظام سیاسی
- ۲- اهمیت نظام سیاسی و جایگاه آن در جامعه
- ۳- تأثیرات نظام سیاسی در توزیع ثروت و قدرت، قشربندی اجتماعی، دامنه تحرک اجتماعی و هویت و سعادت افراد
- ۴- عقاید، آرمان ها و ارزش های متنوع سیاسی
- ۵- انواع نظام های سیاسی به تناسب جهان های اجتماعی
- ۶- نظام های سیاسی موجود و آرمان های سیاسی جهان اسلام

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
نظام سیاسی	قدرت و اقتدار	مفاهیم قدرت، اقتدار، مشروعیت و فرایند شکل گیری اقتدار
	سیاست و نظام سیاسی	مفهوم سیاست، نظام سیاسی، نسبت نظام سیاسی با جامعه و جهان های اجتماعی، ضرورت و اهمیت نظام سیاسی
	کارکردهای نظام سیاسی	کارکردهای نظام سیاسی در توزیع ثروت، قدرت، قشربندی، دامنه تحرک اجتماعی، هدف یابی، هویت بخشی و سعادت
	آرمان ها و ارزش های سیاسی	عدالت، آزادی، امنیت، استقلال، قدرت، حقیقت، اخلاق، سعادت، فضیلت
	فلسفه و علم سیاست	تنوع معرفت ها و نظام های سیاسی به تناسب عقاید و جهان های اجتماعی مختلف
	اقسام نظام های سیاسی	استبدادی/دموکراتیک؛ مشروع/نامشروع؛ قدسی/سکولار و...
	نظام سیاسی اسلام	تئوکراسی، مردم سالاری دینی، جمهوری اسلامی

د: جدول وسعت و توالی مفاهیم درس علوم اجتماعی پیش دانشگاه

واحد یادگیری شماره ۱

اهداف: آشنایی دانش آموزان با:

- ۱- ظرفیت های متفاوت جهان های اجتماعی گوناگون را از جهت محلی، منطقه ای و جهانی بودن
- ۲- ظرفیت های جهانی تمدن غرب و فرهنگ اسلامی

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
فرهنگ های جهانی	جهان فرهنگی	هویت فرهنگی جهان اجتماعی، تفاوت جهان فرهنگی و جهان طبیعی، تاریخی بودن جهان فرهنگی
	فرهنگ جهانی	ظرفیت های مختلف فرهنگ ها، الزامات فرهنگ جهانی، نظام جهانی
	فرهنگ های جهانی	نمونه های تاریخی فرهنگ جهانی انواع فرهنگ های جهانی، فرهنگ جهانی غرب، فرهنگ جهانی اسلام

واحد یادگیری شماره ۲

اهداف: آشنایی دانش آموز با

- ۱- فرایند جهانی شدن تمدن غرب
- ۲- شکل گیری نظام جهانی موجود
- ۳- ابعاد مختلف نظام جهانی (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و...)

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
نظام جهانی موجود	هویت فرهنگی	مفاهیم بنیادین سکولاریزم، اومانیزم، روشنگری
	فرایند تکوین نظام جهانی	رنسانس، روشنگری، انقلاب صنعتی، انقلاب سیاسی (۱۷۸۹)، امپریالیسم و استعمار
	ابعاد نظام جهانی	ابعاد اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد ابعاد حقوقی و نهادمندی نظام جهانی فناوری و دهکده جهانی بسط فرهنگی و توزیع آگاهی و علم مدرن

واحد یادگیری شماره ۳

اهداف: آشنایی دانش آموزان با

۱- چالش های درون تمدنی و تمدنی نظام جهانی موجود

۲- وضعیت دیگر تمدن ها و فرهنگ ها در شرایط جهانی شدن تمدن غربی

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
چالش های جهانی	چالش های درون تمدنی	جهان دو قطبی جنگ های جهانی رقابت های قدرت های جهانی رقابت های مرکز - پیرامون جنبش های سوسیالیستی، جنبش های زیست محیطی و بحران های معرفتی
	چالش های تمدنی	استعمار فرهنگی مقاومت های فرهنگی و تمدنی

واحد یادگیری شماره ۴

اهداف: آشنایی دانش آموزان با

۱- حرکت تمدن جهان اسلام و بیداری اسلامی

۲- فرصت ها و تهدید های تمدن اسلامی

۳- جایگاه انقلاب اسلامی ایران و کشورهای اسلامی در مواجهه تمدنی موجود

عنوان	مفاهیم	تعمیم ها
جهان اسلام	استعمار و غربزدگی	از خودبیگانگی فرهنگی و حضور استعمار، ناسیونالیسم، مارکسیسم
	بیداری اسلامی	زمینه های تاریخی بیداری اسلامی بازگشت به اسلام، جنبش های اسلامی
	انقلاب اسلامی	انقلاب اسلامی ایران خیزش تمدنی جهان اسلام جغرافیای فرهنگی جهان نوین
	فرصت ها و تهدیدات	احیای معنویت و ظرفیت های معنوی نظام جهانی موجود اهرم های اقتدار نظام جهانی و زمینه های بحران

۲-۲-۲- شیوه سازمان دهی محتوا

• اصول انتخاب محتوا

اصول، دستورالعمل برنامه‌ریزی و چگونگی نیل به هدف‌ها می‌باشد و محتوا عبارت است از مجموعه‌ی مفاهیم، مهارت‌ها و گرایش‌هایی که از سوی برنامه‌ریزان انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود. برنامه و محتوا براساس اصول باید به نحوی تهیه گردد که هدف‌های آموزشی تحقق پیدا کنند. اصول تألیف در دو قسمت اصول انتخاب محتوا و اصول سازمان‌دهی محتوا تعیین می‌شود.

اصول انتخاب محتوا، چگونگی انتخاب مواد تألیف را معین می‌کند. محتوا به اشکال مختلف ارائه می‌شود. این اشکال شامل عنوان، متن، تصویر، پرسش، جدول، نمودار، انواع فعالیت (خلاصه کنید، مصداق‌یابی، جمع‌آوری اطلاعات، مشاهده، بحث و گفت‌وگو، تحقیق، تکمیل کردن، طبقه‌بندی، مقایسه، نتیجه‌گیری، به‌کارگیری منابع معتبر، ارائه‌ی راه‌حل و...) می‌باشد. در انتخاب محتوای علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه به اصول زیر توجه شود:

محتوای برنامه باید:

۱- اعتبار داشته باشد.

۲- با نیازها، علایق و توانایی‌های دانش‌آموز هماهنگی داشته باشد.

توجه به نیازها، علایق و توانایی‌های یادگیرنده در آموزش سبب میل و رغبت درونی دانش‌آموز به آن می‌گردد و در مسیر آموزش در ضمیر خود احساس امنیت خاطر می‌کند. موضوع و مسئله‌ی طرح شده را مسئله‌ی خود می‌یابد و با آن فعالانه برخورد می‌نماید. این در حالی است که در فرایند آموزش به دانش‌آموز اجازه‌ی فعالیت داده شود یعنی فرصتی که او بتواند خود بیندیشد، پرسد، بحث کند و برای نیازها و علایق خود پاسخ مناسب پیدا کند و از این طریق، بتواند توانایی‌های خود را شکوفا کند. عدم توجه به نیازها، علایق و توانایی‌های فراگیر در محتوای آموزشی سبب می‌شود که «علاقه‌های عاطفی» بین فراگیر و محتوا ایجاد نشود.

هم‌چنین محتوای آموزشی باید دارای چنان انعطافی باشد که دائماً بتواند جوابگوی این نیازها و علایق باشد و امکان آموزش موضوعات و مسائل اجتماعی جدید برای معلم و فعالیت و جست‌وجوی دانش‌آموز فراهم آید. البته در انتخاب و طرح این نیازها، باید از طریق مسائلی که متناسب با نیاز جوان یا هماهنگ با اصول آموزش نیست، خودداری شود زیرا که بیش از اندازه و نابه‌جا گفتن ممکن است موجب بدفهمی و انحراف فکری دانش‌آموز گردد.

۳- با زندگی روزمره و محیط اجتماعی دانش‌آموز ارتباط داشته باشد. توجه به نیازهای جامعه در آموزش،

سبب می‌شود که تربیت اجتماعی دانش‌آموز متناسب با زمان صورت گیرد و آموزش جنبه‌ی کاربردی پیدا

کند. چنین آموزشی، به دانش آموز کمک می کند تا مسیر زندگی را تشخیص دهد و با جریانات، مسائل اجتماعی و پدیده های پیرامون خود، سنجیده برخورد نماید و صرفاً منفعل و تأثیرپذیر نباشد.

هم چنین آموزش باید با زندگی اجتماعی دانش آموز عجین شود زیرا توجه به مسائل و محیط اجتماعی مربوط به دانش آموز در محتوای آموزشی باعث خواهد شد تا درس وجود زنده و برانگیزاننده ای به خود بگیرد و فرصت هایی برای تلفیق علم با زندگی پدید آورد و و آمادگی هایی برای زندگی اجتماعی و شغلی آینده و برخورد با مسائل آن فراهم آورد.

۴- حتی الامکان به تنوع شرایط اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی مختلف توجه داشته باشد.

۵- دانش آموز را به آینده امیدوار کند.

۶- به حیطه ها و سطوح مختلف یادگیری توجه داشته باشد.

یادگیری در معنای محدود، به انتقال اطلاعات و تمرکز بر حافظه تأکید دارد، امری اختصاصی، ناپایدار و غیرقابل تعمیم است. در مقابل، یادگیری در معنای وسیع، به کسب ساختارهای تفکر کلی تأکید دارد لذا امری قابل تعمیم است. در این نوع یادگیری، تفکر نوجوان توانایی پرداختن به مسائل استدلالی، حل مسئله، تجزیه و تحلیل و رد و اثبات فرضیه ها را به استناد اطلاعات پیدا می کند. چنین یادگیری از طریق پرورش مهارت های فرایند تفکر، خلاقیت و تفکر انتقادی میسر می گردد.

پرورش مهارت های فرآیند تفکر نظیر گردآوری اطلاعات، مشاهده کردن، حل مسئله، تعمیم دادن، استنتاج کردن، تفسیر کردن و... از ویژگی های اساسی برنامه درسی علوم اجتماعی دوره ی متوسطه می باشد. این مهم از طرق مختلف نظیر ذکر مثال ها و نمونه ها، تحلیل مسائل اجتماعی و انجام فعالیت های متعدد و متنوع صورت می گیرد.

خلاقیت، قابلیت است که افراد انسانی را در مقامی بالاتر از سایر موجودات زنده قرار می دهد. این قابلیت، به درجات متفاوت در همه ی افراد وجود دارد و وظیفه ی ما شکوفا ساختن آن است. به همین جهت، پرورش خلاقیت از دیگر ویژگی های رویکردی است که در تدوین اهداف و سازمان دهی محتوا و تجربیات یادگیری دانش آموزان در کتب علوم اجتماعی انتخاب شده است. این مهم از طریق روش های مختلفی در برنامه علوم اجتماعی دنبال می شود:

الف- انجام فعالیت های عملی متعدد و متنوع توسط دانش آموز در هر یک از دروس مانند: تحقیق

کنید، پیش نهاد کنید، فکر کنید و پاسخ دهید، تفسیر کنید و...

ب- تحلیل مسائل اجتماعی و ارائه ی راه حل های مناسب

پ- مشارکت دانش آموزان در تعیین عناوین فرعی دروس

ت- انجام و تکمیل نمودارها، تصاویر و خلاصه‌های هر درس

ث- انجام فعالیت‌های خارج از چارچوب کلاس

تفکر انتقادی نیز قابلیت است که به دانش آموزان امکان می‌دهد که فارغ از هرگونه پیش‌داوری، تعصب و کلیشه‌های ذهنی با جمع‌آوری اطلاعات به‌طور مستند در مورد پدیده‌ها و مفاهیم به تجزیه و تحلیل پردازد. از استراتژی

تفکر انتقادی حل مسئله و تصمیم‌گیری می‌باشد. به همین دلیل، پرورش تفکر انتقادی در تدوین اهداف و سازمان‌دهی محتوا و تجربیات یادگیری دانش آموزان نیز در دروس جامعه‌شناسی مورد توجه بوده است.

این مهم، در برنامه‌ی درسی علوم اجتماعی از طرق زیر دنبال می‌شود:

الف- شروع درس با یک فعالیت ورودی برای ایجاد انگیزه، علاقه و مشارکت دانش آموزان در بحث

ب- مجاب کردن دانش آموزان به اندیشیدن از طریق عنوان پرسشی درس، سؤالات موجود در متن، طرح

یک سؤال و...

پ- ایجاد عدم تعادل ذهنی در دانش آموزان از طریق فعالیت‌های موردنظر در جهت تغییر شیوه‌های قدیمی

تفکر در آن‌ها - ایجاد زمینه برای استفاده از روش‌های فعال تدریس

ث- ایجاد زمینه برای انجام یادگیری مشارکتی

ج- ایجاد زمینه برای رشد توانایی‌های ذهنی دانش آموز از طریق فعالیت‌هایی نظیر خلاصه کنید و...

۷- فرصت‌های لازم را برای فعالیت‌های مختلف دانش آموز در داخل یا خارج از کلاس فراهم کند

در روش‌های سنتی آموزش، دانش آموز در جریان آموزش منفعل می‌باشد و برای کسب یک مفهوم، فعالیتی از خود نشان نمی‌دهد و از نظریادگیری نیز چیزی جز پرسیدن ذهن از اطلاعات زیاد و گاه پراکنده نصیب دانش آموز نخواهد شد.

برای این که آموزش منجر به تغییر رفتار دانش آموز گردد و او را در جهت اهداف پیش‌بردد، در سازمان‌دهی محتوای کتب علوم اجتماعی سعی بر این است که فراگیر بین خود و مفاهیم، یگانگی و هم‌سویی احساس کند و خود او نیز در کسب مفهوم سهیم باشد. در این روش علاوه بر طرح موضوع و بیان و تحلیل مسائل، راه‌هایی اتخاذ شده است که دانش آموز را به فعالیت و مشارکت او می‌دارد. به بازی گرفتن دانش آموز و سپردن نقشی در آموزش به او امکان این تغییر رفتار را داده و عادت جدید موردنظر را در او شکل می‌دهد. به عبارت دیگر محتوای درس باید روی درگیری مستقیم دانش آموزان در کسب تجارب یادگیری تأکید داشته و آنان را فعال نماید. در چنین روشی، باید از انباشت هم‌ی اطلاعات در کتاب درسی اجتناب کرد و زمینه را برای

تحقیق و ابتکار فراهم نمود و از تکیه‌ی بیش از حد روی حافظه خودداری کرد. باید فرصت جست و جوگری را برای دانش‌آموز ایجاد کرد تا با کشف هدف، شادی روانی و علاقه به ادامه‌ی کار برای او فراهم شود. برای تحقق این مهم، چند روش در محتوای کتب علوم اجتماعی به کار گرفته می‌شود

الف - مثال‌ها، نمونه‌ها و مسائل اجتماعی از زندگی اجتماعی جوان گرفته می‌شود

ب- انجام فعالیت‌های متعدد و متنوع توسط دانش‌آموزان در هر یک از دروس، یکی دیگر از فرصت‌هایی است که برای فعالیت یادگیرنده در جریان یادگیری فراهم می‌شود، زیرا درگیری با فعالیت‌ها بهترین شیوه‌ی یادگیری است و علاوه بر آن دانش‌آموز می‌تواند از این طریق خلاقیت‌های خود را نشان دهد و فرصت‌های مناسب شکل‌گیری رفتار و شخصیت برای او حاصل گردد. مانند تکمیل نمودارها، طرح پرسش‌هایی با عنوان «طرح یک سؤال» یا «فکر کنید و پاسخ دهید»، پیش‌نهاد عنوان برای بخشی از هر درس، خلاصه کنید در پایان هر درس و...

پ- در طراحی درس، علاوه بر فعالیت‌های عملی دارای جهت، بر کار گروهی و دسته‌جمعی و مشارکت در کسب نتیجه، راه را برای محور قرار گرفتن دانش‌آموز هموار می‌سازد. این طراحی باید فرصت فعالیت‌های خارج از چارچوب کلاس را نیز فراهم نماید. درس علوم اجتماعی که پیوند ناگسستنی با زندگی اجتماعی دارد، مسلماً محدود به فعالیت‌های پیش‌نهادی در کتاب نیست. بنابراین، این درس می‌تواند توسعه پیدا کرده و محیط زندگی دانش‌آموز را دربر گیرد.

ت- مخاطب قرار دادن دانش‌آموز، گردآوری شواهد، بحث و گفت‌وگو، ترغیب در استفاده از کتابخانه، مشورت با دیگران، استفاده از رسانه‌ها و استفاده از تجارب دیگران از جمله راه‌هایی است که در کتاب پیش‌بینی می‌شود و امکان فعالیت یادگیرنده را فراهم می‌کند.

باتوجه به تأکید شورای برنامه‌ریزی درس علوم اجتماعی بر لزوم توجه به یادگیرنده در فرایند یاددهی-یادگیری و توصیه به مؤلفان و معلمان در تألیف و تدریس بر استفاده از شیوه‌های مبتنی بر فعال کردن دانش‌آموز، لازم است در طراحی و انجام این فعالیت‌ها به نکات زیر توجه داشته باشیم:

- به انجام دادن فعالیت‌ها در گروه‌های کاری توجه شود.

- روش انجام فعالیت‌ها مشخص باشد.

- سطوح بالاتر یادگیری مانند نتیجه‌گیری، قضاوت و ارزش‌یابی در طراحی فعالیت موردنظر باشد.

- فعالیت‌ها باید با اهداف آموزشی ارتباط منطقی داشته باشد.

- تعداد فعالیت‌هایی که باید در کلاس انجام گیرد، با زمان آموزش تناسب داشته باشد.

- سهم انجام فعالیت‌ها در ارزش‌یابی مشخص باشد.

- در طراحی فعالیت‌ها باید به منابع در دسترس دانش‌آموز توجه شود.

- انجام دادن فعالیت‌ها باید در حد توانایی دانش‌آموز باشد.
- انجام فعالیت‌های خارج از کلاس باید کم‌هزینه باشد و وقت‌زیادی را از دانش‌آموز نگیرد.
- فعالیت‌ها باید برای دانش‌آموزان جذابیت لازم را داشته باشد و روی انگیزش‌ها و تحریک حس کنجکاوی تأکید نماید.
- در انجام دادن فعالیت‌ها می‌توان از روش‌های فعال تدریس مانند همیاری، حل مسئله و به‌ویژه بارش مغزی و... استفاده نمود.
- در طراحی فعالیت‌ها می‌توان از عباراتی مانند بحث و گفت‌وگو کنید، مقایسه کنید، فکر کنید و پاسخ دهید، جمع‌آوری کنید، بررسی کنید، تحقیق کنید، تکمیل کنید، مشاهده کنید، طبقه‌بندی کنید، نتیجه‌گیری کنید، خلاصه کنید و... استفاده کرد.
- فعالیت‌ها باید به تولید دوباره‌ی دانش منجر شود.
- فعالیت‌ها باید با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموز مرتبط باشد.
- ۸- به سهم و نقش معلم در فرایند یاددهی-یادگیری توجه کند.
- ۹- روزآمد باشد.
- ۱۰- با زمان آموزش تناسب داشته باشد.

• اصول سازمان‌دهی محتوا

در برنامه‌ی درسی عناصر مختلفی که به نوعی در شکل‌گیری برنامه دخالت دارند، مجموعه‌ی منسجمی را تشکیل می‌دهند. سازمان‌دهی درسی به شیوه‌ای اطلاق می‌شود که در آن عناصر تشکیل‌دهنده‌ی برنامه‌ی درسی با نظام آموزشی ارتباط پیدا می‌کند و توالی می‌یابد.

یادگیری رسمی و در مدرسه که فعالیت‌های مربوط به آن از قبل پیش‌بینی و سازمان داده می‌شوند با یادگیری در زندگی عادی خانوادگی و اجتماعی متفاوت است. این از اهم وظایف مدرسه است که فعالیت‌ها و تجارب یادگیری را چنان پیش‌بینی، تنظیم و ارائه کند که منجر به یادگیری مؤثر در فراگیران شود و هدف‌های آموزشی و پرورشی تحقق پیدا کند. نوع سازمان‌دهی درسی عامل مهمی در تعیین چگونگی یادگیری است. در بعضی موارد، عدم کارایی و غیرمؤثر بودن برنامه‌ی درسی به دلیل نامناسب بودن محتوای آن نیست بلکه به دلیل چگونگی تنظیم و سازمان دادن آن است که یادگیری را مشکل می‌کند یا نتیجه‌ای کم‌تر از انتظار به بار می‌آورد. بنابراین، برای تهیه‌ی برنامه‌ی درسی مؤثر و اثربخش، فعالیت‌های آموزشی و تجارب یادگیری باید به‌صورتی تنظیم شوند که هم‌دیگر را تقویت کنند و دارای اثر متحد و یکپارچه باشند تا بتوانند الگوهای رفتاری موردنظر را در فراگیران به‌وجود آورند. به این ترتیب، سازمان دادن محتوای برنامه و تنظیم فعالیت‌ها و تجارب یادگیری، مسئله‌ی بسیار مهمی در تهیه و

تنظیم و بهبود برنامه‌های درسی است زیرا که روی کارایی آموزش و میزان و نوع تغییراتی که در رفتار یادگیرنده باید به وجود آید، اثر زیادی دارد.

برای سازمان دادن محتوای برنامه‌ی درسی، معمولاً چهار ملاک در نظر گرفته می‌شود:

۱- برقرار کردن توالی

برقرار کردن توالی در برنامه را می‌توان به صورت تنظیم محتوا، مواد یا تجارب یادگیری به نوعی از ترتیب پیاپی (مانند از آسان به مشکل، یادگیری پیش‌نیازها، کل به جزء، جزء به کل، دایره‌های متحدالمرکز، ترتیب زمانی، معلوم به مجهول، تحلیل تجربه‌ی حسی به تعمیم‌های رو به توسعه) در نظر گرفت. می‌توان توالی را به وسیله‌ی مطرح کردن این سه سؤال تعریف کرد:

- چه چیزی ترتیب توالی مواد آموزشی را باید تعیین کند؟

- چه چیزی به دنبال چه چیزی باید بیاید و چرا؟

- مناسب‌ترین زمان برای فراگرفتن موضوع معین کدام است؟

بنابراین، غرض از توالی، تنظیم محتوا و تجارب یادگیری به نحوی است که امر یادگیری را با توجه به رشد و تکامل یادگیرنده به‌ویژه رشد ذهنی و شناختی وی تسهیل کند و پایه‌ای برای یادگیری‌های بعدی باشد.

۲- مداومت یا استمرار

مداومت پیش‌بینی فرصت‌هایی پی‌درپی و مداوم برای تعمیق و گسترش معلومات و مهارت‌ها به‌طور پیش‌رونده است. مانند انجام دادن کارهای مشکل‌تر، تحلیل‌های دقیق‌تر، درک و فهم افکار عمیق‌تر، ارتباط دادن آن‌ها به یک‌دیگر، به کار بردن آن‌ها در موقعیت‌های مختلف، داشتن ظرافت و نکته‌بینی بیش‌تر در نگرش‌ها و حساسیت‌ها به مسائل و موضوع‌ها به‌طور مداوم.

در این نوع سازمان دادن که گاهی سازمان دادن به‌طور عمودی نیز نامیده می‌شود، طرح‌هایی برای تکرار عناصر اصلی برنامه و استفاده‌ی مداوم از یادگیری‌های قبلی پیش‌بینی می‌شود به این صورت که فرصت‌های پی‌درپی و مداوم برای تمرین و تکرار معلومات و مهارت‌ها و به کار بردن آن‌ها در موقعیت‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود تا یادگیرنده تسلط لازم را در آن‌ها کسب کند. همچنین پایه و مبنایی برای درک مطالب و کسب تجارب بعدی باشد. غرض از مداومت، تکرار عناصر برنامه در یک سطح نمی‌باشد بلکه بنا کردن تجربه‌ی بعدی روی تجربه‌ی قبلی است به‌طوری که از ترکیب آن دو، معنا و مفهوم روشن‌تر و وسیع‌تر در ذهن یادگیرنده ایجاد شود و به تدریج دامنه و عمق شناخت و عملکردهای وی گسترش یابد و دقیق‌تر گردد.

۳- وحدت و یکپارچگی

منظور از یکپارچگی، ارتباط دادن حقایق و اصول یک حوزه از معرفت بشری با حوزه‌ی دیگر آن است. اصطلاح یکپارچگی به‌عنوان ملاکی برای سازمان دادن برنامه‌ی درسی به صورت‌های متفاوتی

تعریف شده است. بعضی تعاریف روی روابط افقی حوزه‌ها و محتوای برنامه‌ی درسی با یکدیگر تأکید می‌کند اما یکپارچگی به صورت چیزی که در درون فرد روی می‌دهد نیز تعریف شده است. این معنای اخیر، توجه ما را به یادگیری ادراکی معطوف می‌دارد که در آن انسان به صورت فعال درگیر می‌شود و کوشش می‌کند معرفت و تجاربی را که در اول بی ارتباط به نظر می‌رسند، به شکل معناداری سازمان دهد. بنابراین، ملاک یگانگی دلالت دارد به سازمان دادن محتوا و فعالیت‌های یادگیری به صورتی که به یادگیرنده در به دست آوردن وحدت نظر و رفتار، در رابطه با عناصری که با آن‌ها سروکار دارد، به طور فزاینده‌ای کمک کند.

۴- تعادل

برنامه‌ی درسی متعادل برای فراگیر معین، در مدت زمان معین و براساس نیازهای آموزشی آن زمان تعیین می‌شود. تعادل در برنامه‌ی درسی جنبه‌های مختلفی پیدا می‌کند:

- ایجاد تعادل میان نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان
- ایجاد تعادل میان حیطه‌های اصلی صلاحیت انسانی مانند مهارت‌های ارتباطی، فرصت‌های حل مسئله، صلاحیت شهروندی و...

- ایجاد تعادل میان جنبه‌های نظری و عملی

- ایجاد تعادل میان محتوا و روش

در انتخاب و سازمان‌دهی محتوا به نکات زیر توجه شود:

- طرح مسائل و مشکلات، استفاده از تمثیل یا تعدادی موقعیت مشابه

- بررسی مجهولات، طراحی فعالیت، طرح سؤال، ارائه تصویر، عکس و... توسط دانش‌آموز

- ارائه فرصت به دانش‌آموز جهت ارزیابی از خود

- ارائه مهم‌ترین اطلاعات، تحلیل‌ها و نکات مربوط به هر موضوع و خودداری از پرداختن به موارد حاشیه‌ای و کم‌اهمیت

- ارائه توضیحات کافی در زیرنویس تصاویر و پیش‌بینی فعالیت‌هایی بر مبنای آن‌ها

- ارائه فهرستی از کتاب‌های مناسب برای مطالعه‌ی بیش‌تر دانش‌آموزان در پایان کتاب

- در نظر گرفتن مطالبی تحت عنوان «سخنی با دانش‌آموز» در ابتدای کتاب و ارائه‌ی توضیحاتی در آن در خصوص محتوای کتاب، روش مطالعه، تکالیف دانش‌آموز و موارد مشابه.

روش های تدریس

۳-۲-۱- اصول یاددهی- یادگیری

با وجود این که تدریس، از جهتی کاری ابتکاری و تجربی است و نوآوری و ابداع از رموز موفقیت در این عرصه‌ی مهم و حساس است و برای آموزش محتوای جدید به شیوه‌های نو و مناسب تأکید می‌شود اما نباید فراموش کرد که در تدریس، بعضی اصول علمی وجود دارد که از علومی مانند روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی یادگیری، برنامه‌ریزی درسی و... گرفته شده است و رعایت آن‌ها در فرایند تدریس، نظم و جهت‌گیری درست ایجاد می‌کند و تحقق اهداف موردانتظار را تضمین می‌نماید. بنابراین، در انتخاب و سازمان‌دهی روش‌های تدریس توجه به اصول و معیارهای زیر ضروری است:

- اصل هماهنگی میان روش تدریس و اهداف
- اصل هماهنگی میان روش تدریس و محتوا
- اصل هماهنگی میان روش تدریس و ارزش‌یابی
- اصل توجه به آثار پرورشی در انتخاب روش تدریس
- اصل تناسب روش تدریس با امکانات
- اصل هماهنگی روش تدریس با خصوصیات دانش‌آموزان
- اصل توجه به امکان مشارکت یادگیرنده در انتخاب روش تدریس
- اصل توجه به مهارت‌های حرفه‌ای معلمان
- اصل تناسب روش تدریس با جمعیت کلاس
- اصل تناسب روش تدریس با زمان تدریس
- اصل تناسب روش تدریس با فضا
- توجه به اصل جامع‌نگری در انتخاب روش تدریس

به‌طور کلی معلم در انتخاب روش تدریس باید از خود بپرسد: برای چه منظوری؟ برای کدام دانش‌آموزان؟ و تحت چه شرایطی باید به انتخاب روش آموزشی اقدام کنم؟

سپس به انتخاب روش تدریس مناسب بپردازد. آنچه مسلم است این است که در تدریس دروس علوم اجتماعی نمی‌توان یک روش خاص را انتخاب کرد و به‌دیران توصیه نمود زیرا هر یک از روش‌ها، خصوصیات و محدودیت‌های خاصی را ایجاد می‌کند و بهتر است برای رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی از روش‌های مختلف تدریس استفاده شود و در این راه، اهداف و رویکرد برنامه‌ی درسی علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه و تأکید آن بر ویژگی‌های زیر، راه را برای انتخاب روش‌های مناسب برای معلمان باز می‌نماید.

- ۱- طرح فعالیت‌های متنوع فردی و گروهی با تأکید بر توجه معلم به استفاده از روش‌های فعال تدریس
- ۲- طرح فعالیت‌های متنوع فردی و گروهی با تأکید بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان
- ۳- طرح فعالیت‌های متنوع فردی و گروهی با تأکید بر کسب و پرورش مهارت‌های ضروری زندگی
- ۴- ارائه‌ی مثال، نمونه، مسائل اجتماعی، فعالیت‌های متنوع فردی و گروهی و... با تأکید بر اصل یادگیری مشارکت

- ۵- طرح سؤالاتی در متن با تأکید بر فعالیت‌های ذهنی دانش‌آموز
- ۶- طرح فعالیت‌های عملی و انجام مطالعه و کار گروهی با تأکید بر فعالیت‌های عملی دانش‌آموز

تأکید بر استفاده از روش‌های فعال آموزش

در تعیین اهداف، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا، سعی بر این است که فراگیر خود در کسب مفهوم سهیم باشد و از طرق مختلف به فعالیت‌های ذهنی، عملی، فردی و گروهی وادار شود. به عبارت دیگر، محتوا روی درگیری مستقیم دانش‌آموزان در کسب تجارب یادگیری تأکید داشته و آنان را فعال می‌نماید. به همین دلیل، در برنامه‌ی آموزش علوم اجتماعی بر آموزش «روش آموزش» بیش‌تر تأکید می‌شود تا آموزش مجموعه‌ای از اطلاعات و دانستی‌ها، از این رو باید به دانش‌آموزان راه و روش یادگیری و حل مسئله را آموخت. برای تحقق این هدف، بر استفاده از روش‌های فعال تدریس که در آن‌ها دانش‌آموزان در جریان یادگیری مشارکت فعال دارند، تأکید می‌شود.

۱-۲-۳- شیوه‌های یاددهی - یادگیری

از مهم‌ترین روش‌های فعال تدریس که در آموزش دروس علوم اجتماعی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد، به موارد زیر اشاره می‌شود:

- ۱- حل مسئله
- ۲- بحث گروهی
- ۳- پرسش و پاسخ
- ۴- بارش مغزی (ذهن انگیزی)
- ۵- همیاری از طریق تدریس اعضای تیم
- ۶- همیاری از طریق طرح کارایی تیم

۱- روش حل مسئله

در این روش، با ارائه‌ی سؤالاتی از طرف معلم، یادگیرندگان در موقعیتی مسئله‌دار قرار می‌گیرند و یا خود را در چنین موقعیتی می‌یابند. سؤالاتی که با تکرار آن‌چه که دانش‌آموزان قبلاً یاد گرفته‌اند، نتوانند آن‌ها را جواب دهند یعنی سؤالاتی که دانش‌آموزان را به اندیشیدن وادار کند. حل مسئله را می‌توان

به صورت فرایندی در نظر گرفت که به وسیله‌ی آن، یادگیرنده ترکیبی از قواعد پیش‌تر آموخته شده را کشف می‌کند و می‌تواند برای رسیدن به راه حلی برای یک موقعیت جدید از آن‌ها بهره‌گیرد و در طی این فرایند به یادگیری جدید نایل شود. این موضوع تازه آموخته شده، یک قاعده یا قانون رده‌ی بالاتر است که یادگیرنده را قادر می‌سازد سایر مسائل از این نوع را حل کند.

مراحل تدریس:

۱- ارائه و بیان مسئله

۲- ارائه‌ی فرضیه

۳- تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های چندنفره یا به صورت انفرادی برای ارائه و بررسی راه‌حل‌های

موجود

۴- ارائه‌ی گزارش هر گروه در مورد راه‌حل پیشنهادی

۵- تأیید یا رد فرضیات با توجه به مباحث مطرح شده توسط گروه‌ها (مرحله‌ی نتیجه‌گیری)

۶- تعمیم فرضیات تأیید شده به موارد مشابه

۲- روش بحث گروهی:

روش بحث گروهی، گفت‌وگویی سنجیده و منظم درباره‌ی موضوعی خاص و مورد علاقه‌ی مشترک شرکت‌کنندگان در بحث است. موضوع مطرح شده برای بحث، باید متناسب با اطلاعات و تجربیات دانش‌آموز باشد تا او بتواند نظریات خود را مطرح کند. هم‌چنین یکی از بهترین موارد استفاده بحث گروهی در موضوعات و مفاهیمی است که ممکن است به علت کثرت معانی و کاربرد مختلف آن‌ها ابهامی در ذهن دانش‌آموزان به وجود آمده باشد یا این که دانش‌آموزان در آن باره دچار پیشداوری باشند. در این روش، دانش‌آموزان با شرکت فعال در فعالیت‌های کلامی، ابعاد مختلف یک مسئله را مورد بحث قرار می‌دهند و در پایان نسبت به آن شناخت عمیق‌تری به دست می‌آورند. هم‌چنین درک می‌کنند که دیگران نیز نظریاتی دارند و باید به نظریات آنان احترام گذاشت. استدلال کردن و گوش دادن به حرف‌های دیگران را می‌آموزند و دارای روحیه‌ی تحمل آراء می‌گردند. هم‌چنین از طریق بحث گروهی، روابط گروهی را تمرین می‌کنند. در این روش، وظیفه‌ی اصلی معلم، تحلیل و ارزش‌یابی جریان بحث، منطق، سازمان و صحت مطالب گفته شده است. البته او می‌تواند نقش هدایت‌کننده‌ی بحث را داشته باشد و هر جا که بحث به بن‌بست برسد یا از مسیر اصلی خارج شود، آن را به مسیر اصلی هدایت کند. هم‌چنین باید مراقب باشد که افراد به خصوص، بحث را به خود اختصاص ندهند. به عبارت دیگر، معلم باید همه‌ی دانش‌آموزان را به شرکت در بحث و گفت‌وگو تشویق کند.

مراحل تدریس

- ۱- انتخاب موضوع مورد بحث
- ۲- بیان هدف‌های آموزشی بحث
- ۳- ابراز نظر همه‌ی اعضا درباره‌ی موضوع مورد بحث
- ۴- انتخاب دو نمونه پاسخ که یکی به پاسخ مسئله‌ی مورد بحث نزدیک‌تر و دیگری دورتر است با ذکر دلیل توسط دانش‌آموزان مطرح‌کننده.
- ۵- نظرخواهی از دانش‌آموزان درباره‌ی پاسخی که به نظر مناسب است و انجام بحث و گفت‌وگو در این زمینه.
- ۶- هدایت جریان بحث به سوی پاسخ مناسب و نتیجه‌گیری از بحث
- ۷- ارزش‌یابی فعالیت‌های دانش‌آموزان شرکت‌کننده در بحث.

۳- پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ، روشی است که معلم به وسیله‌ی آن، شاگرد را به تفکر درباره‌ی مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. در این روش، شاگرد تلاش می‌کند با کوشش‌های ذهنی، از معلوم به مجهول حرکت کند. معلم در این روش هنگام جلب توجه شاگرد به مطلب یا درس جدید و تدریس آن، مستقیماً به بیان مطالب نمی‌پردازد بلکه با طرح سؤال‌های برنامه‌ریزی شده، فعالیت ذهنی شاگردان را در مسیر مطالعه و مفاهیم جدید قرار داده، آن را هدایت می‌کند تا خودشان به کشف مفاهیم جدید توفیق یابند. این روش، برای مرور مطالبی که قبلاً آموخته شده و یا ارزش‌یابی میزان درکی که شاگردان از مفهوم درس دارند و برای پرورش قدرت تفکر و استدلال آن‌ها بسیار روش مؤثری است اما سؤالات باید با توجه به زمینه‌های علمی شاگردان طرح گردند و به گونه‌ای مطرح شوند که توجه آنان را برانگیزد و ذهن را به حرکت درآورد. در کلاس‌های پرجمعیت، معلم باید ترتیبی اتخاذ کند که همه‌ی شاگردان در جریان فعالیت‌های آموزشی قرار گیرند و فعالانه به اندیشه و پرسش و پاسخ بپردازند. از طرف دیگر، معلم باید به شاگردان فرصت کافی برای تفکر و تأمل و پاسخ دادن بدهد.

روش پرسش و پاسخ بر ۳ اصل متکی است:

- ۱- وجود سؤال یا مسئله
- ۲- طرح سؤال‌های متوالی برای تداوم فعالیت‌های ذهنی توسط معلم و دانش‌آموزان
- ۳- هدایت تلاش ذهن، برای کشف آگاهانه مسئله به طوری که نتیجه‌ی آن به خلاقیت فکری و کسب دانش منجر شود.

مراحل تدریس

۱- انتخاب عنوان توسط معلم: معلم در این مرحله، سؤالی را بر روی تخته سیاه می‌نویسد. موفقیت این روش اغلب به سؤالاتی بستگی دارد که معلم در پی یک‌دیگر مطرح می‌کند. معمولاً معلمان برای تشویق و درگیری دانش‌آموزان به ورود به بحث، ابتدا از سؤالات پیش‌پا افتاده شروع می‌کنند یا از سؤالاتی که همه‌ی دانش‌آموزان پاسخ آن‌ها را می‌دانند سپس، نوبت به سؤالاتی می‌رسد که به سطوح شناختی و ادراکی عمیق‌تر و وسیع‌تری نیاز دارند.

۲- ارائه‌ی پاسخ از سوی دانش‌آموزان: اگر دانش‌آموزان، آمادگی ذهنی کاملی درباره‌ی موضوع نداشته باشند، می‌توان به آن‌ها فرصتی داد تا درباره‌ی موضوع فکر کرده یا اطلاعاتی جمع‌آوری کنند و در یک زمان معین (مثلاً جلسه‌ی بعدی) بحث و گفت‌وگو صورت گیرد.

۳- نتیجه‌گیری: در این مرحله، نکات مهم سؤالات دوباره مورد مرور قرار می‌گیرد و این موارد بر روی تابلوی کلاس یادداشت می‌شود. نکات مثبت یا منفی را می‌توان در تابلو دسته‌بندی کرد. دانش‌آموزان باید تشویق شوند تا نتیجه‌گیری را خود انجام داده و با توجه به نکاتی که روی تابلو نوشته شده است، تعمیم‌هایی به عمل آورند.

۴- روش بارش مغزی

در این روش که به آن روش ایده‌های آنی یا روش ذهن‌انگیزی هم گفته می‌شود، دانش‌آموزان با آزادی تمام، کلیه‌ی مطالبی را که در مورد موضوع به ذهنشان می‌رسد، فوراً بیان می‌کنند. بنابراین، دانش‌آموز به‌طور ناخودآگاه و فوری از یافته‌ها و دانسته‌های قبلی خود استفاده می‌کند و آن‌ها را به کلاس ارائه می‌دهد و به تدریج دانش‌آموزان، مجموعه‌ی جملات و کلماتی را بیان می‌کنند که تمامی آن‌ها در کنار یک‌دیگر می‌تواند بخش عمده‌ای از مطالب مرتبط با سرفصل مربوطه را ارائه دهد. روش بیان افکار و ایده‌های آنی را می‌توان به کار برد تا به دانسته‌های دانش‌آموزان از یک مطلب پی برد، متن کتاب درسی را غنای بیش‌تری بخشید و دریافت دانش‌آموزان را از یک موضوع، ارزش‌یابی کرده و بالاخره دانش‌آموزان را تشویق نمود تا در فضایی دوستانه به مبادله و ارائه‌ی دانش‌ها و دانسته‌های خود پردازند.

مراحل تدریس

- ۱- ارائه‌ی یک عنوان (موضوع) از سوی معلم به دانش‌آموزان
- ۲- بیان فوری مطالب، کلمات و جملاتی در مورد عنوان از طرف دانش‌آموزان
- ۳- نوشتن مطالب دانش‌آموزان بر روی تخته سیاه توسط معلم
- ۴- جمع‌بندی مطالب

۵- نتیجه گیری

در این روش قوانین خاصی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- انتقاد ممنوع است زیرا هدف از یورش فکری این است که در کم‌ترین زمان، بیش‌ترین ایده‌ها تولید شود و در صورتی که این فرایند با انتقاد یا اظهارنظر درمورد ایده‌ها (هنگام تولیدشان) قطع شود، این هدف تحقق نمی‌یابد.

۲- از روانی تفکر استقبال می‌شود. ایده‌ها هرچه بکرتر باشد بهتر است.

۳- ترکیب و بهبود ایده‌ها دنبال می‌شود و اعضای گروه تشویق می‌شوند از ایده‌های یک‌دیگر استفاده کنند و آن‌ها را باهم ترکیب کنند.

۴- کمیت موردنظر است. هرچه ایده‌ها بیش‌تر باشد، شانس رسیدن به بهترین راه‌حل بیش‌تر است.

روش تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف (همیاری)

در این روش، کلیه دانش‌آموزان به جای معلم در تدریس درس شرکت دارند. ویژگی اصلی این روش، مشارکت فعال دانش‌آموزان در انتقال مفاهیم و مطالب درسی به سایر دانش‌آموزان می‌باشد. در یادگیری از طریق همیاری، تفاوت افراد گروه باعث کارآمد شدن یادگیری می‌شود. یکی از هدف‌های یادگیری از طریق این روش این است که دانش‌آموزان یاد بگیرند با هر کسی کار کنند و از این طریق موجب بالا رفتن پیشرفت تحصیلی فراگیران، ایجاد ارتباط مثبت و انتقال تجاربی به آن‌ها می‌شود که برای توسعه‌ی اجتماعی، روانی و شناختی سالم به آن نیاز دارند. وقتی دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف مشترکی کار می‌کنند، فعالیت آموزشی تبدیل به فعالیتی می‌شود که تمام همسالان به آن ارزش می‌دهند و دانش‌آموزان انگیزه‌مند می‌شوند تا به یادگیری همدیگر کمک کنند.

مراحل تدریس

۱- تشکیل تیم‌های ۶ نفره

۲- تقسیم درس به اجزای مختلف

۳- مطالعه‌ی هر بخش توسط یکی از اعضای تیم

۴- بحث و بررسی پیرامون مطالب هر بخش توسط اعضای از هر تیم که آن بخش مشترک را مطالعه کرده‌اند (تشکیل گروه تخصصی)

۵- بازگشت هر فرد به تیم خود

۶- توضیح برای هم‌تیمی‌ها به نوبت (از آن‌جا که تنها راه فراگیری بخش‌ها، شنیدن دقیق توضیحات هم‌تیمی‌هاست، انگیزه‌ی توجه به مطالب و کار هم‌تیم‌ها در سایرین تقویت می‌شود).

۶- طرح کارایی تیم

دو فرضیه‌ی اساسی طرح کارایی تیم را می‌سازد:

۱- نتیجه‌ی دو فکر یا بیش‌تر از یک فکر بهتر و مؤثرتر است. هر شخص می‌تواند آن‌چه را می‌داند برای دیگران توضیح دهد و همه می‌توانند از یک‌دیگر فراگیرند.

۲- برای فراگیران، شرکت فعال در یادگیری، انگیزاننده است و انگیزه بر یادگیری اثر مثبت دارد.

در این روش موضوع درسی در قالب متن ارائه می‌شود بعد سؤالاتی داده می‌شود که محتوا را تحت پوشش قرار می‌دهد. می‌توان دو نوع سؤال طرح کرد که یکی را در خود طرح یادگیری و دیگری را در پس آزمون به‌منظور ارزیابی درک فردی مورد استفاده قرار داد. سؤال یا سؤالات باید طوری طرح شوند که از فراگیر بخواهد موضوع درسی را به‌گونه‌ای به‌کار ببرد، نتیجه‌گیری کند و یا از اصولی که قبلاً ارائه شده، استنباطی داشته باشد. بنابراین، سؤالات باید طوری باشند که گرفتن نمره‌ی خوب نتیجه‌ی گوش دادن، تفکر کردن، مباحثه، ارزیابی شواهد و... باشد.

پاسخگویی به چنین سؤالاتی، ذاتاً پاداش‌دهنده هستند. همان‌طور که اکثر مردم از جدال لفظی لذت می‌برند. بهترین وسیله برای اندازه‌گیری تحقق هدف‌های یادگیری، ابزاری است که فراگیران آن را تا حد متعارفی سخت بدانند زیرا اگر آزمون خیلی سخت باشد، ممکن است هیچ‌کس نتواند پاسخ را پیدا کند و اگر خیلی آسان باشد، بحثی صورت نمی‌گیرد چون همه فراگیران جواب را می‌دانند.

مراحل تدریس

۱- متن درسی برای مطالعه‌ی فردی فراگیران مشخص و سؤال یا سؤالات در اختیار آنان قرار می‌گیرد تا پاسخ دهند.

۲- پس از پاسخ‌گویی فردی به سؤالات، در تیم‌ها بحث صورت می‌گیرد تا اعضای تیم درباره‌ی بهترین پاسخ به هر سؤال به توافق برسند. معیار اعتبار این است که پاسخ به آن چه در متن آمده است و یا از آن استنباط می‌شود، مطابقت کند.

در جریان بحث اعضای تیم باید تفاوت بین «من با آن مخالفم» و «تو اشتباه می‌کنی» را به خاطر داشته باشند. پس از اتمام بحث، پاسخ سؤالات ارائه می‌شود و به پاسخ‌های فردی از فعالیت اولیه و پاسخ‌های توافقی تیم توسط فراگیران نمره

۴-۲- شیوه‌های ارزش‌یابی

ارزش‌یابی فرایندی است که از طریق آن درباره‌ی ارزش، مطلوبیت، مؤثر بودن و یا کیفیت چیزی طبق ملاک‌ها و مقاصد معین قضاوت و داوری می‌شود.

ارزش‌یابی، یک فرایند نظام‌دار (سیستماتیک) برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات می‌باشد. به این منظور که تعیین می‌کند هدف‌های موردنظر به چه میزانی تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند. ارزش‌یابی یکی از ارکان مهم آموزش و پرورش است و نقش آن به‌طور اخص نظارت بر تغییرات رفتاری دانش‌آموزان و به‌طور اعم نظارت بر کارآیی سایر عناصر آموزش و پرورش (هدف، برنامه، روش و...) است. ملاک مهم برای انجام ارزش‌یابی درست، هدف‌های آموزشی است؛ بنابراین، چگونگی ارزش‌یابی باید متناسب با اهداف و انتظارات آموزشی تعیین گردد و روش‌ها و ابزارهای آن باید به‌گونه‌ای انتخاب شود که امکان اندازه‌گیری و قضاوت درمورد میزان تغییرات حاصل را در دانش‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان میسر سازد.

در رویکرد جدید آموزش علوم اجتماعی، اهداف در سه حیطه‌ی «دانش، مهارت و نگرش» مطرح می‌شود. بدیهی است وقتی اهداف در این سه زمینه‌ی اصلی موردنظر برنامه‌ی درسی باشد، ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز باید به صورتی طراحی شود که ناظر بر هر سه زمینه‌ی فوق‌الذکر باشد. روش‌ها و معیارهای سنتی رایج در ارزش‌یابی که شامل طرح چند پرسش به‌صورت کتبی یا شفاهی و درنظر گرفتن نمره‌ای براساس نوع پاسخ دانش‌آموزان به پرسش‌هاست، نمی‌تواند شیوه‌ی مناسبی برای جمع‌آوری اطلاعات از آموخته‌های دانش‌آموزان و قضاوت درمورد این آموخته‌ها باشد زیرا در شیوه‌ی ارزش‌یابی که فقط بر توانایی دانش‌آموزان در حفظ کردن یا حداکثر فهمیدن مطالب درسی تأکید می‌شود، نمی‌تواند مهارت‌ها و نگرش‌های مورد تأکید در اهداف برنامه را ارزش‌یابی کند در حالی که در برنامه جدید:

- برکسب دانش از طریق پرورش نگرش‌ها و مهارت‌های ضروری‌زندگی تأکید دارد نه بردانش محض
- بر روش خلاقیت اصرار دارد نه حافظه‌پروری
- بر یادگیری مشارکتی تأکید دارد نه صرفاً فعالیت انفرادی
- معلم تسهیل‌کننده و راهنمای فرایند آموزش است نه محور آموزش
- استفاده از امکانات مختلف آموزشی نظیر ارتباط با دیگران و محیط اطراف، کتاب، معلم و... به‌عنوان وسایل آموزشی موردنظر است نه صرفاً کتاب و جزوه.

۴-۲-۱- اصول انتخاب شیوه‌ها و روش‌های ارزش‌یابی:

آموزش فرایندی است که مهم‌ترین هدف آن ایجاد تغییر در رفتار یادگیرنده است و انواع تغییرات مورد انتظار، همان اهداف آموزشی می‌باشند؛ بنابراین، ارزش‌یابی به مفهوم تعیین میزان دست‌یابی به اهداف و تعیین کیفیت روش‌های آموزشی است و باید آن را با تعریف روشن و معنی‌داری از اهداف آموزشی آغاز کرد.

- شیوه‌های ارزش‌یابی باید متناسب با اهداف باشد و اطلاعات لازم و مناسب را در اختیار بگذارد.
 - شیوه‌های ارزش‌یابی باید متناسب با ماهیت و ساختار رشته‌ی درسی باشد.
 - شیوه‌های ارزش‌یابی با ارزش‌ها و نگرش‌های حاکم بر جامعه تناسب داشته باشد.
 - شیوه‌های ارزش‌یابی قابل حصول باشد.
 - شیوه‌های ارزش‌یابی به آزمون‌های نوشتاری محدود نمی‌شود، بلکه فعالیت‌های تعیین‌شده در کتاب‌های علوم اجتماعی نیز ارزش‌یابی خاص خود را می‌طلبد.
 - ماهیت شیوه‌ها و روش‌های ارزش‌یابی بر نوع و کیفیت یادگیری اثر می‌گذارد. به‌طور مثال ما هنگامی که در ارزش‌یابی به فعالیت‌های خواسته شده در کتاب توجه نداشته باشیم و ارزش‌یابی خاص این نوع فعالیت‌ها را پیش‌بینی و اجرا نکنیم، عملاً انگیزه‌ی لازم برای انجام این نوع فعالیت‌ها در دانش‌آموزان کاهش می‌یابد و در نتیجه بخشی از اهداف آموزشی مغفول می‌ماند؛ لذا، ارزش‌یابی باید به گونه‌ای طراحی شود که:
 - از طریق بعضی از سؤالات بتوان کاربرد آموخته‌های دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار داد.
 - تعدادی از سؤالات به ارزشیابی امور و مسائل مختلف و قضاوت درباره آن‌ها مربوط شود تا فرد در یادگیری یک موضوع به حدی برسد که با استقلال فکر و اندیشه درباره خوبی یا بدی آن قضاوت ارزشی کند.
 - غیر از جنبه‌های شناختی، فعالیت‌های تعیین شده در کتاب نیز ارزش‌یابی خاص خود را می‌طلبد. هدف از این فعالیت‌ها این است که ضمن تقویت مهارت‌های ذهنی بعضی از مهارت‌های اجتماعی نظیر مهارت برقراری ارتباط، مشورت کردن، همکاری، احساس مسئولیت و مسئولیت‌پذیری و... تقویت گردد و این جز در جریان فعالیت‌های عملی میسر نیست. به‌طور مثال هنگامی که دانش‌آموز با دوستان خود به مشورت می‌پردازد در واقع در عمل، مشورت کردن را تمرین می‌کند.
- در انجام فعالیت‌ها باید به چند نکته توجه نمود:**
- اگر فعالیت‌ها از طرف دانش‌آموزان انجام نگیرد، هدف‌های آموزشی کتاب تأمین نخواهد شد لذا ضروری است فعالیت‌های هر یک از دروس مرتب پیگیری شود.
 - پیشنهاد می‌شود ارزش‌یابی فعالیت‌ها به‌طور مستمر و در طول دوره‌ی تحصیلی انجام گیرد. می‌توان با توجه به نتایج کار و گزارشی که دانش‌آموزان از کار گروهی و فعالیت‌های عملی خود ارائه می‌دهند، امتیازی برای آن‌ها منظور کرد تا از مجموع امتیازات در پایان هر نوبت نمره مستمر آن نوبت معلوم شود.
 - انجام هر نوع ارزش‌یابی از مسئولیت‌های مشترک یادگیرندگان و معلمان می‌باشد. بالاترین استفاده از ارزش‌یابی زمانی حاصل می‌شود که تمام افراد مسئول و علاقه‌مند در آن شرکت داشته باشند.
 - ارزش‌یابی باید مستمر و دائمی باشد و بازخورد دائمی برای یادگیرنده داشته باشد.

- مبنای ارزش‌یابی نباید تنها سنجش محفوظات دانش‌آموزان باشد بلکه کاربرد آموخته‌های آنان نیز باید مورد توجه قرار گیرد.
- بهترین روش ارزش‌یابی کسب اطلاعات از منابع مختلف در موقعیت‌های متفاوت و با استفاده از روش‌های گوناگون است.
- ارزش‌یابی باید بخش جدانشدنی از آموزش به شمار آید.
- در ارزش‌یابی باید به حیطه‌های مختلف یادگیری (دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌ها) توجه شود.
- ارزش‌یابی نباید کل فرایند آموزش را تحت‌الشعاع قرار دهد بلکه باید تنها به آن به‌عنوان بخشی از کل یک برنامه‌ی آموزشی نگریسته شود.
- نوع و روش ارزش‌یابی متناسب با یادگیرنده و کلاس باشد.
- فعالیت مربوط به ارزش‌یابی الزاماً نباید انفرادی باشد بلکه گاه مستلزم تلاش‌های جمعی و گروهی است. به عبارت دیگر، دانش‌آموز در گروه نیز ارزیابی می‌شود.
- ارزش‌یابی باید نشانگر آن باشد که دانش‌آموز چگونه به حل یک مسئله می‌پردازد. به عبارت دیگر، آیا توجه خود را منحصراً به یک راه‌حل معطوف می‌کنند یا راه‌های ممکن دیگر نیز مورد توجه یادگیرندگان قرار می‌گیرد.
- ارزش‌یابی باید امکان‌پیش از یک راه‌حل صحیح برای مسئله و یا بیش از یک پاسخ صحیح به یک سؤال را فراهم نماید.
- ارزش‌یابی و تکالیف مربوط به آن باید مستلزم درک یک کل باشد نه اجزای متصل و مجزای یک قابلیت یا مهارت.
- ارزش‌یابی باید امکان ارزیابی توانایی شاگرد را در حل مسئله از طریق رویارویی او با مسائل چندبعدی یا یک کل، فراهم آورد.
- ارزش‌یابی باید فرایندنگر و غایت‌نگر باشد. ارزش‌یابی علاوه بر توجه به اهداف، باید فرایندی را که برای رسیدن به اهداف طی می‌شود نیز توجه نماید. به عبارت دیگر، دانش‌آموز در حین فعالیت‌ها و فرایند یادگیری ارزیابی می‌شود.

۴-۲-۲- مراحل فرایند ارزش‌یابی

مراحل فرایند ارزش‌یابی عبارت‌اند از:

- ۱- تعریف صفات یا خصایص مورد اندازه‌گیری
- ۲- انتخاب و ساختن ابزار اندازه‌گیری
- ۳- انتخاب مقیاس اندازه‌گیری

۴- جمع آوری داده‌ها

۵- تبدیل داده‌ها به اطلاعات

۶- قضاوت مبتنی بر اطلاعات و معیارهای مشخص.

۴-۲-۳- روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی

برای انجام ارزش‌یابی دقیق از پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان، لازم است برحسب انواع روش‌های تدریس و ارزش‌یابی از ابزارهای مختلف استفاده شود:

- ۱- انواع آزمون‌ها مثل آزمون‌های تشریحی، چندگزینه‌ای و
- ۲- فعالیت‌های کلاسی شامل ارائه‌ی گزارش‌های کتبی و شفاهی از طرف یادگیرندگان به صورت فردی یا گروهی، انجام تحقیق و شرکت در جلسات بحث و گفت‌وگو.
- ۳- چک‌لیست برای ارزش‌یابی از فعالیت یادگیرندگان که لازم است به گونه‌ای تهیه شود که متناسب با موضوع درسی باشد.

۴-۲-۴- انواع ارزش‌یابی

ارزش‌یابی در قلمرو آموزش و پرورش دارای دو شکل اساسی است:

• ارزش‌یابی میزان موفقیت برنامه در رسیدن به هدف‌های آن:

در این نوع ارزش‌یابی بازده یا نتایج نهایی یک برنامه مورد سنجش و ارزش‌یابی قرار می‌گیرد همان‌گونه که قبلاً گفته شد، معیار ارزش‌یابی هدف‌های آموزشی برنامه‌ی درسی است و ارزش‌یابی در صدد آن است تا معلوم کند که یادگیرندگان در اثر اجرای برنامه تا چه حد به هدف‌های تعیین شده دست یافته‌اند. ارزش‌یابی از نتایج برنامه، اطلاعاتی را فراهم می‌کند که در اصلاح برنامه یا برنامه‌ریزی آتی می‌توان از آن استفاده کرد.

• ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی:

ارزش‌یابی تحصیلی تنها به امتحانات پایان هر یک از مراحل تحصیلی محدود نمی‌شود بلکه وسیله‌ای است برای هدایت مستمر یادگیری دانش‌آموزان با مقاصد گوناگون:

الف- ارزش‌یابی مستمر: ارزش‌یابی مستمر نوعی از ارزش‌یابی است که میزان پیشرفت یادگیرنده را در هر مرحله از تدریس معین می‌کند و شامل ارزش‌یابی از فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان به طور انفرادی یا گروهی در طول ترم یا نیم سال می‌باشد. این ارزش‌یابی براساس مشاهدات معلم و تعامل بین معلم و دانش‌آموزان در هنگام انجام هر فعالیت یا براساس پرسش‌های کتبی و شفاهی، در طی جریان آموزش صورت می‌گیرد. لازم است معلم برای ایجاد سهولت در ثبت مشاهدات، فهرستی از حدود انتظارات خود در هنگام انجام هر فعالیت توسط دانش‌آموز را به صورت چک‌لیستی تنظیم کند و

ارزش‌یابی فردی یا گروهی از دانش‌آموزان را براساس آن انجام دهد. در تهیه‌ی این فهرست (چک‌لیست) لازم است به هدف‌های شناختی، مهارتی و نگرشی هر فعالیت یادگیری توجه شود.

ارزش‌یابی از فعالیت‌های خارج از کلاس نیز براساس حاصل کار هر دانش‌آموز و با توجه به ملاک‌هایی که معلم تنظیم می‌کند، انجام می‌شود. بنابراین، ارزش‌یابی مستمر می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- میزان مشارکت در فعالیت‌ها و بحث‌های گروهی
- میزان همکاری در کارهای گروهی
- انجام دادن فعالیت‌های خارج از کلاس
- داشتن دفتر کار منظم برای انجام فعالیت‌ها
- انجام دادن کارهای اختیاری مانند ارائه‌ی مقالات تحقیقی و ابتکارهای علمی و ادبی و هنری
- آزمون‌های شفاهی و کتبی تدریجی.

ب- ارزش‌یابی پایانی: در ارزش‌یابی پایانی یا تراکمی، مجموعه‌ی آموخته‌های دانش‌آموزان در طول یک دوره‌ی آموزشی تعیین می‌گردد و هدف آن نمره دادن به دانش‌آموزان برای ارتقای از یک مرحله‌ی آموزشی به مرحله‌ی آموزشی دیگر و قضاوت در مورد اثربخشی کار معلم و برنامه‌ی درسی یا مقایسه‌ی برنامه‌های مختلف درسی با یک‌دیگر می‌باشد. در این نوع ارزش‌یابی می‌توان یادگیری‌های متراکم فراگیران را در طول یک دوره‌ی آموزشی اندازه‌گیری کرد. به این دلیل معمولاً در آخر دوره به عمل می‌آید. این نوع ارزش‌یابی نمونه‌ی کاملی از محتوای درس و اهداف آموزشی را دربر می‌گیرد و در پایان هر نیم سال به صورت کتبی و براساس بارم‌بندی مشخص انجام می‌شود.

براساس شیوه‌نامه‌ی مصوب، ارزش‌یابی از دانش‌آموزان در دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، به دو شکل «مستمر» و «پایانی» انجام می‌گیرد و نمره‌ی امتحان هر درس با توجه به نمره‌ی امتحان پایانی و نمره‌ی ارزش‌یابی مستمر مشخص می‌شود.

توصیه های اجرایی

۳-۱- روش های ترویج و تثبیت برنامه

آموزش و پرورش فعالیت واحدی است که هدف آن ایجاد تغییرات مناسب و مطلوب در ابعاد مختلف وجودی دانش آموز می باشد. با تکیه بر چنین توصیفی است که می توان مهم ترین کارکرد آموزش و پرورش را در اجتماعی کردن دانش آموزان به منظور حفظ و بقای جامعه دانست. درحقیقت فلسفه و هدف اساسی نظام تعلیم و تربیت نوین، جامعه پذیر نمودن افراد جامعه و تربیت شهروندان مطلوب است. این هدف امروزه به عنوان یکی از محورهای اساسی توسعه (به معنای جامع آن) در جوامع مختلف می باشد. آموزش علوم اجتماعی می تواند یکی از مناسب ترین راه ها در جهت تحقق این هدف باشد. بدیهی است چنین نقشی تنها وقتی محقق خواهد شد که به آموزش علوم اجتماعی به عنوان یک امر ضروری و ملی نگریسته شود نه یک امر تبعی. بنابراین، در اشاعه و ترویج برنامه ی درسی آن نیز می بایست از همه ی عوامل داخل یا خارج از وزارت آموزش و پرورش استفاده شود. برنامه ی درسی علوم اجتماعی می تواند از طرق مختلف اشاعه پیدا کند.

۳-۱-۱- آموزش معلمان:

این آموزش از راه های زیر امکان پذیر می باشد:

- برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت به منظور تأمین مدرسان کارآمد آموزش علوم اجتماعی برای هریک از استان های کشور
- کتاب راهنمای معلم
- فیلم های آموزش روش های تدریس مطلوب در علوم اجتماعی
- برگزاری جلسات سخنرانی، سمینارها، نمایشگاه های آموزشی در زمینه ی آموزش علوم اجتماعی
- درج مقالات مربوط به آموزش علوم اجتماعی در مجله ی رشد آموزش علوم اجتماعی
- ایجاد هماهنگی با دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی ضمن خدمت در رشته ی علوم اجتماعی

۳-۲-۱- آموزش مدیران و عوامل اجرایی:

این افراد شامل معاونین و مدیران مدارس، مسئولین مقطع، سرگروه های آموزشی، معاون آموزشی مناطق و ادارات کل می باشند که آموزش آنها می تواند از طرق زیر انجام پذیرد:

- الف- برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت جهت آشنایی آنها با رویکرد و اهداف برنامه
- ب- ارسال راهنمای برنامه درسی و جزوات آموزشی
- پ- جلسات حضوری به منظور تبیین برنامه های درسی

همچنین لازم است اداری کل امتحانات، اداره‌ی کل آموزش‌های ضمن خدمت، دفتر آموزش متوسطه نیز برای تحقق اهداف برنامه، فعالیت‌های خود را با آن هماهنگ سازند.

۳-۳-۱- آموزش اولیای دانش آموزان:

آشنایی اولیای دانش آموزان با رویکرد و اهداف برنامه ضرورتی غیر قابل انکار است. این آشنایی از راه‌های زیر امکان پذیر است:

الف- برگزاری جلسات و نشست‌های مشترک دبیران علوم اجتماعی و اولیای دانش آموزان

ب- نمایش فیلم‌های آموزشی مناسب برای اولیای دانش آموزان

پ- درج مقالات آموزشی مناسب در مجلات و روزنامه‌های عمومی

۳-۴-۱- تهیه مواد آموزشی غیر از کتاب درسی برای دانش آموزان:

- کتاب کار
- کتاب‌های کمک آموزشی
- فیلم‌ها و نرم افزارهای آموزشی مناسب
- توسعه‌ی تولید مجلات و روزنامه‌های مناسب برای دانش آموزان
- استفاده از بازدیدهای علمی و هدفمند برای آموزش علوم اجتماعی
- استفاده از رسانه‌های گروهی به منظور ترویج رویکرد و اهداف برنامه‌ی درسی علوم اجتماعی
- برگزاری مسابقات دانش آموزی در زمینه‌ی مسائل اجتماعی

۳-۲- لوازم و شرایط اجرای برنامه

برای تحقق اهداف برنامه، باید عوامل و شرایط زیر فراهم آیند:

- استفاده از دبیران متخصص و آموزش دیده در امر تدریس
- توجیه و آموزش مجریان برنامه (دبیران مربوطه، معاونین آموزشی، معاونین و مدیران مدارس، مسئول مقطع، سرگروه‌های آموزشی) به‌ویژه دبیران و استمرار ارتباط برنامه‌ریزان و مؤلفان با آن‌ها
- ایجاد شرایط و انگیزه‌های لازم برای فعال کردن گروه‌های آموزشی
- تجهیز مدارس به کتاب‌ها و نشریاتی که از سوی مؤلفان و برنامه‌ریزان معرفی می‌شود.
- فراهم کردن امکان ادامه‌ی تحصیل با آسان‌ترین شرایط برای دبیران این رشته.
- توجه جدی به موقعیت شغلی دبیران و فراهم آوردن شرایط مطلوبی که افراد با صلاحیت علمی جذب آموزش و پرورش شوند.

- برگزاری دوره‌های آموزش برای دبیران جدیدالاستخدام
- تهیه کتاب راهنمای معلم، فیلم و اسلایدهای آموزشی
- سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات لازم برای برنامه درسی علوم اجتماعی مانند نیازسنجی، بررسی مسائل و مشکلات رفتاری نوجوانان و جوانان و...
- تغییر و اصلاح نظام ارزش‌یابی و امتحانات با توجه به رویکردهای جدید برنامه
- تغییر و اصلاح نظام گزینش دانشجو با توجه به رویکردهای جدید برنامه
- تغییر و اصلاح نظام آموزش ضمن خدمت دبیران.

۳-۳- صلاحیت‌های حرفه‌ای مخاطبان برنامه

ویژگی‌های معلم برای تدریس

در فرایند تدریس، تنها تجارب و توانمندی‌های علمی معلم نیست که در دانش آموز تأثیر دارد بلکه دیدگاه معلم، فلسفه‌ای که به آن معتقد است و کل شخصیت وی در تدریس، تغییر، تحول و یادگیری دانش آموز مؤثر واقع می‌شود؛ لذا یکی از مسائل مهم در فرایند تعلیم و تربیت توجه به صلاحیت‌های معلمی است. صلاحیت‌های معلمی مجموعه‌ی شناخت‌ها، گرایش‌ها، مهارت‌ها و عملکردهایی است که در جریان تعلیم به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فراگیران کمک می‌کند. این صلاحیت‌ها را می‌توان از جهات مختلف طبقه‌بندی نمود:

الف- صلاحیت‌های شناختی:

- لزوم آگاهی از اهداف غایی و اهداف کلی و اصول تعلیم و تربیت
- لزوم آگاهی و شناخت نسبت به مفاهیم علمی کتاب و اطلاعات جانبی مربوط به آن و تسلط به موضوع درس.
- لزوم شناخت اصول حاکم بر یادگیری و ظرایف تربیتی
- لزوم شناخت اهداف آموزشی کتاب درسی
- لزوم آگاهی و شناخت شیوه‌های جدید و فعال تدریس
- لزوم آگاهی و شناخت نسبت به شیوه‌های ارزش‌یابی متناسب با روش‌ها
- لزوم شناخت ویژگی‌های دانش آموزان (جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و...)
- لزوم آگاهی از اهداف دوره‌ی متوسطه
- لزوم شناخت شیوه‌های مختلف مدیریت کلاس

- لزوم آشنایی با مهارت‌های اجتماعی و گسترش آن‌ها در فرایند یادگیری
- لزوم شناخت محیط‌های اجتماعی مختلف (مدرسه، خانواده، مؤسسات اجتماعی و...) و تأثیر آن‌ها در تعلیم و تربیت

تربیت

- لزوم شناخت نیازها، مسائل و مشکلات اجتماعی
- لزوم شناخت ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... جامعه‌ی ملی و محلی
- لزوم شناخت روش‌های مطالعه و تحقیق در رشته‌ی علمی مربوط
- لزوم شناخت مهارت‌های تفکر (تفکر منطقی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق)
- لزوم شناخت مهارت‌های اقدام‌پژوهی
- لزوم شناخت طراحی آموزشی

ب- صلاحیت‌های عملکردی

- مهارت در طراحی آموزشی «طرح درس روزانه، سالانه»
- مهارت در کاربرد تکنولوژی آموزشی در فرایند تدریس مهارت در اداره کلاس و تشکیل گروه‌های کار توسط شاگردان، فعال کردن دانش‌آموزان و مشارکت آنان در کلاس درس
- مهارت در برقراری ارتباط مؤثر با شاگردان، همکاران و خانواده‌ها
- مهارت در کاربرد فنون و روش‌های مختلف تدریس متناسب با محتوای درس نظیر حل مسئله، بحث و گفت‌وگو و...

- مهارت در سخنوری و انتقال پیام به دانش‌آموزان
- مهارت در دادن تکلیف و رسیدگی به تکالیف و تمرین‌های دانش‌آموزان
- مهارت در تقویت روحیه و ایجاد انگیزه و شوق به یادگیری در دانش‌آموزان
- مهارت در ابداع و نوآوری و ارائه‌ی ابتکارات تازه و کاربرد روش‌های تجربی
- مهارت در ارزش‌یابی تکوینی و پایانی متناسب با روش تدریس و تحلیل نمرات دانش‌آموزان
- مهارت در تشویق و تنبیه دانش‌آموزان
- مهارت در انجام پژوهش‌های لازم «اقدام‌پژوهی» و... در فرایند تدریس
- مهارت در نگارش تجربیات خود در فرایند تدریس و رفتار با دانش‌آموزان
- مهارت در استدلال کردن و گوش دادن به استدلال‌ات دانش‌آموزان، تحمل آراء مخالف و پذیرش آرای منطقی شاگردان

- توانایی ارزش‌یابی از کار خود
- مهارت در استفاده از اصول حاکم بر یادگیری در تدریس
- مهارت در ارائه و طرح سؤالاتی که جواب دادن به آن مستلزم تفکر است.
- توانایی کشف قابلیت‌های ذهنی یادگیرندگان به‌منظور پرورش مهارت‌های تفکر
- مهارت به‌کارگیری تجارب و یافته‌های علمی در فرایند تدریس
- توانایی ایجاد اعتماد متقابل بین دانش‌آموزان و همکاران
- مهارت برنامه‌ریزی درسی جهت افزایش کارایی برنامه
- توانایی تبیین و تشریح اهداف برنامه‌ی درسی به‌منظور تحقق عملی آن

ج- اخلاق حرفه‌ای

- داشتن روحیه‌ی تعلق خاطر به علم و رشته مربوطه
- داشتن روحیه‌ی توجه به تفاوت‌ها و مشکلات فردی دانش‌آموزان
- داشتن روحیه‌ی استفاده از روش‌های مختلف تدریس به تناسب محتوا
- داشتن روحیه‌ی ایجاد مشارکت و رقابت سالم در کلاس درس و واداشتن فراگیران به فعالیت‌های

گروهی

- داشتن روحیه‌ی واداشتن دانش‌آموزان به یافتن راه‌حل‌های تازه و ابتکاری
- داشتن روحیه‌ی توجه به نظرات، پیشنهادات و سؤالات مطرح شده از سوی دانش‌آموزان
- داشتن روحیه‌ی برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و والدین
- داشتن روحیه‌ی تبادل نظر با سایر معلمان و مسئولین مدرسه
- داشتن روحیه‌ی شرکت فعالانه در گروه‌های آموزشی و شوراهای مختلف مدرسه
- داشتن روحیه‌ی احساس مسئولیت در کار و همکاری با دیگران
- علاقه‌مندی به خودسنجی و ارزش‌یابی از کار خود
- علاقه‌مندی به مطالعه و تشویق دانش‌آموزان به این امر با معرفی کتاب‌های مناسب
- داشتن روحیه‌ی نوآوری و خلاقیت
- داشتن روحیه‌ی انصاف در برخورد با دانش‌آموزان و سایرین
- داشتن روحیه‌ی بازانندیشی و بازآفرینی
- داشتن روحیه‌ی پی‌گیری امور
- داشتن روحیه‌ی مدارای اجتماعی

د- ویژگی‌های عمومی

- شوخ‌طبعی
- فعال، پرحرارت و شاداب بودن و انتقال آن به دانش‌آموزان
- توجه به کلیه دانش‌آموزان کلاس
- برخورداری از سلامت و ثبات عاطفی
- دارا بودن قدرت بیان و ایجاد ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان
- آراستگی ظاهر و توجه به بهداشت فردی
- تلاش در جهت ارتقای یادگیری دانش‌آموزان به سطوح بالای یادگیری
- تلاش در جهت آموزش شیوه‌ی مطالعه و فکر کردن به دانش‌آموزان
- رازداری
- عزت نفس و خویشن‌داری
- تلاش در جهت ارائه‌ی الگوی رفتاری مناسب
- خوش‌رفتاری